

۲۵۷۸۰

علل کندی  
وناییو ستگی  
تکامل جامعه  
فُرودالی ایران

اباذر ورد اسپی

علل کندی

---

وناپیوستگی تکامل

---

جامعه فئودالی ایران

اباذر ورد اسپی

تبرستان  
www.tabarestan.info



- 
- عالی‌کنندی و فاپیوستگی تکامل جامعه فنودالی ایران
  - ابادر وردآسی
  - انتشارات چاپار، شاهرضا، خیابان ابوالیحان، چهارراه مشتاق
  - چاپ اول ۱۳۵۴ | تلفن ۶۴۵۴۵۶
  - چاپ دوم ۱۳۵۵ | تلفن ۶۶۸۸۵۳
  - حق چاپ محفوظ
  - چاپ رشدیه

## فهرست

عنوان	صفحه
<b>نکاهی اجمالی به سیر تاریخ ایران</b>	۵
نقدی بدسه نظریه درباره سیر تاریخ ایران ایلغار واستیلای اقوام اجنبی نتایج حمله مغول	
<b>بخش دوم</b>	
<b>در ردیک سببینی و دستیابی به سایر علل</b>	۲۶
مقدمه:	
۱- محیط نامساعد طبیعی؛ قلت اراضی مشروب و عدم امکان توسعه کشاورزی	
۲- دوام و بقای شیوه تولید چادرنشینی در شرائط فسودالیسم	
۳- بسط بردگی درمنن و بطن نظام مسلط	
۴- نقدان شهرهای ممتاز و تسلط نظامیان زمیندار و امراء مالک	
۵- تنبیرات ادواری در ترکیب طبقه زمیندار و فقدان اشرافیت ثابت و استوار	
۶- سرمایه‌گذاری اشراف و امراء مالک در بخش تجارت و شرکت در فعالیتهای تولید شهری	
۷- سلطه فرساینده نیروهای استعماری و تعرض اقتصادی سیاسی خوبی	

تبرستان

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

## بخش اول

نگاهی اجمالی به سیر تاریخ ایران

## نقدي بر سه نظرويه درباره سير تاریخ ایران

گلرستان

www.talarastan.info

شناخت و فهم درست علل کندي و ناپيوستگي تکامل جامعه ايرانى در صورتى ممکن است که چگونگى نظام اجتماعى و اقتصادى ايران را در ادوار گوناگون مشخص کنیم یعنی درباره سير تاریخ ایران نظر بدھيم وابن پرسش را بمعيان گذاريم که: «آيا اصلاحات و مقولات جامعه شناسى غربي عينا درباره نهادها و جريانات تاریخ ايران صدق می کند یا نه؟» پژوهندگان، از ديرباز، به ظن خود، پاسخهایي به اين پرسش داده اند که کوتاه شده آنها را در پائين مياوريم:

الف- عده بى از قبول حقايق تکاملی تاریخ ايران خودداری ورزیده گفته اند که جامعه ما در مسیر مدور مسدودی سير کرده، و چگونگى رابطه سازمانها و نهادهای سياسى و اجتماعى با توده مردم در جريان زمان تغريبآ ثابت و يكسان مانده است به گمان اين محققان، تاریخ ايران پيزي نسبت جز فروافتادن وازنو تشکيل يافتن دولتهای استبدادي و تغييرات عديده سلسليه ای.

به گفته دياكونوف، محقق معاصر شوروی، تازمانهای اخیر هنوز

این نظریه در میان برخی از دانشمندان اروپایی رواج داشت که «با اینکه در تاریخ اروپا به نوبه، ادوار فتووالیته سرمایه داری جانشین یکدیگر میگردند... آسیا الی الابد در دوران فتووالیته باقی میماند و گویا اقوام آسیا قادر به ارتقاء به مقام والاتر نمیباشند و به عقبه ایشان در این مورد جریان تاریخ عبارتست از تناوب اقوام و صاحب اختیار» که طبقه‌ای از «با رونهای فتووال» خویش را علم میکند و یکی‌بی‌است که در میان ایشان هم مقام رهبری به «آریاییان» و با بطور کلی به‌هنر و اروپاییان تعلق دارد. این تصوری در مغز جملگی دانشمندان مزبور - اعم از جهت و مشی ایشان بطور استوار آشیان‌کرده است. و شخص، هر سفلد، که خود ناچار در سال ۱۹۳۴ خاک آلمان آریایی نژاد را ترک گفت، معهداً واعظ و مبلغ این «تصوری» بوده است..<sup>۱</sup>

بـ یک دسته از دانشوران ایرانی و غربی، با آنکه تکامل تاریخی جامعه ایرانی را پذیرفته‌اند معتقد‌که مقولات جامعه‌شناسی که اساساً از مطالعه جامعه‌های غربی استخراج شده‌اند، در مورد جامعه ایران و سایر جامعه‌های آسیا و افریقا مصدق نتوانند داشت.

بگمان ایشان «جامعه‌شناسی تاریخی وجود قوانین عام و شامل و ورای تاریخی را که حاکم بر تکامل تکخطی تمام دوره‌های تاریخی باشد، نمی‌پذیرد. چه تحولات تدریجی و اجتماعی در هر دوره تاریخی، خاص همان دوره و قوانین تحول از یک مرحله تاریخی به مرحله دیگر نیز دارای ویژگیهای خود می‌باشد. و از آنجاکه جامعه‌شناسی تاریخی، جامعه و تاریخ را از فرآورده‌های انسانی دانسته و جریان تاریخ را برآیندی از رابطه انسان با فرآورده‌های خود میداند هبچ قانون کلی و عمومی را که حاکم بر سیر خلل ناپذیر تحولات اجتماعی و تکامل تک خطی جوامع بشری از

۱- ام. دیاکونوف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، ص ۱۰۳

مراحل معین و مشخص تاریخی باشد نمی‌پذیرد.<sup>۱</sup>

منکران قوانین عمومی و کلی جامعه شناسی، معمولاً معتقد به «شیوه تولیدآسیابی» هستند. نکته‌ای که از لحاظ بحث‌کنونی ما اهمیت فراوان دارد اینست که محققان ایرانی و دانشمند روسی، وارگا؛ که به استناد آثار و یادداشت‌های «فیلسوفان اجتماعی قرن نوزدهم» تصور نظام آسیابی را مورد توجه خاص قرارداده‌اند خود درباره حدود صدق این اصطلاح و خصوصیات آن اختلاف نظر دارند. برعکس وارگا، «اگر زمین در مالکیت دولت نبود و به تولیدکننده بی‌واسطه مایحتاج مادی متعلق بود در آن صورت وجه تولیدآسیابی نمی‌توانست وجود داشته باشد.»<sup>۲</sup> مطابق عقیده آقای احمد اشرف مارکس معتقد است «ویژگی اساسی نظام آسیائی وحدت صنایع دستی و کشاورزی در قالب اجتماع ده می‌باشد.»<sup>۳</sup> «این وحدت تمام اوضاع واحوال مربوط به تولید نسل و اضافه تولید اقتصادی را درون خود نگاه میدارد و بهمین خاطر در برابر ناپیوستگی تکامل اقتصادی بیش از هر نظام اقتصادی - اجتماعی دیگری مقاومت می‌ورزد.»<sup>۴</sup>

آقای پاکدامن، «در پرتو نوشه‌های گوناگون مارکس و انگلاس خصایص طریق تولیدآسیابی را بنحو زیر خلاصه» می‌کند:

۱- واحد اصلی تولید، جامعه روستائشن است. در این واحد تولیدی، زمین به جامعه تعلق دارد و نه به افراد یا خانواده‌ها...

۲- جامعه‌آسیابی نه جامعه بی‌طبقه است و نه جامعه باطبقه بمعنی اخض ...

۱- احمد اشرف، نظام فشورداری یا نظام آسیابی، مؤسسه عالی تحقیقات اجتماعی، ص ۲.

۲- ای. وارگا، وجه تولیدآسیابی، مجله چهان‌نو، سال ۱۳۴۸، ص ۷۴.

۳- احمد اشرف، پیشین، ص ۶.

۳- شهر و شهرنشین در طریق تولید آسیابی نقش اساسی ندارند در این طریق شهر یا مرکز دستگاه اداریست و یا مرکز تجارت خارجی و در هر دو حال شهرنشین از استعمار و بهره‌کشی از جوامع روستائی زندگی می‌کنند...»<sup>۱</sup>

بالاخره، بموجب عقیده مرحوم دکتر محمدعلی خنجی، «جان کلام و نکته حساس در تئوری (وجه تولید آسیابی) عبارت از بحث درباره منشاء دولتهاي شرقی است.» به عقیده واضعین نظریه مذکور (مارکس-وانگلش)، «در تحول تاریخی اروپا، تجزیه جماعت بدوى - در اثر رشد قوای تولیدی - و تقسیم آن به دو طبقه متفاصل (بردهداران) و (بردگان) و تعارض منافع و مبارزه آن دو طبقه، سبب و منشاء پیدایش دولت بوده که از همان آغاز دستگاهی است متعلق به یک طبقه که برای حفظ تعادل و نظم اجتماع به سود برده داران در برابر بردگان بکار برده می‌شود و حال آنکه در تحول تاریخی شرق، دولت از منشاء دیگری نشات می‌یابد که با منشاء اروپائی آن بکلی متفاوت است،» به عقیده واضعین نظریه وجه تولید آسیابی (مباشران امر آبیاری) یعنی متصدیان منافع عمومی جماعت، نطفه اولیه دولتهاي شرقی را تشکیل داده‌اند واز استحاله تدریجی آن مباشران و تبدیل آن به طبقه حاکم بر جماعت، دولت پدیدار گشته است و این استحاله در زمانی کم و بیش طولانی صورت گرفته است....»، «مسئله مهم‌تر از آن است که در بدovo امر جلوه می‌کند، یک بار دیگر توجه کنیم، در شکل اروپایی تکامل، نخست جامعه به طبقات تقسیم می‌شود و سپس از تعارض منافع طبقات، دولت نشات می‌یابد. ولی در شکل شرقی تطور، نخست دولت پدیدار می‌شود، دولتی از مباشران امور عمومی که خود یک

۱- دکتر ناصر پاکدامن، جامعه‌شناسی اقتصادی، دانشکده اقتصاد، سال

تحصیلی ۱۳۴۶-۴۷، صفحات ۷۳ و ۷۶ و ۷۸

طبقه است و پدید آمدن آن نخستین تقسیم جامعه به طبقات مبایشد به عبارت روشان تر، با پدید آمدن دولت، جامعه به دو طبقه، طبقه حاکم و طبقه محکومه یا طبقه استثمار کننده و طبقه استثمار شونده، تجزیه میشود و کاستهای مختلف پدید می آیند.<sup>۱</sup>

گزارش مجله نظریات تناقض آمیز هادیان «وجه تولید آسیایی» نشان میدهد که پافشاری در اخلاق این اصطلاح برآورگوناگون تاریخ ایران و اسلام تاچه اندازه نابجاست.

ج - در مقابل نظریه دانشمندان دسته اول و دوم، اثوری رسمی محققان شوروی وجود دارد، بنا بر تئوری ایشان، کشورهای غرب و شرق در مسیر پیشرفت خود مراحل یکسانی پیموده اند و ممالک شرقی نیز، برغم ویژگیهای نوع مالکیت و روابط تولیدی خاص خویش و قطع نظر از تمایزات قومی و اقلیمی و اعتقادی و فرهنگی، طبق نظم تاریخی که ذاتی جامعه بشری است تکامل یافته اند.

در کشورهای شرقی نیز مانند ممالک غربی، شیوه های تولید متناوبا یکی جای دیگری را گرفته و حرکت جامعه به پیش صورت و قوع یافته است.<sup>۲</sup>

ما ضمن پذیرفتن «شکل تولید آسیایی» که روشنگر برخی از نقاط تاریک تاریخ شرق است معتقدیم که بطور کلی اختلاف اصولی و بنیادی بین تأسیسات اجتماعی و اقتصادی شرق و غرب وجود ندارد و خصوصیات فرعی که آنان را از یکدیگر متمایز می‌سازد مانع از آن نخواهد بود که ما شرق و غرب را عموماً از لحاظ تشکیلات و تأسیسات اقتصادی و اجتماعی

۱- محمد علی خنجی، تاریخ ماد و منشاء نظریه دیاکونف، راهنمای کتاب، ضمیمه شماره سال سوم، شهریور ۱۳۴۶، ص ۳۹.

۲- رجوع کنید به تاریخ جهان باستان جلد اول شرق، و نیز تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم، ترجمه کریم کشاورز

دریک ردیف قرار دهیم. جامعه ما مانند همه جامعه‌های بزرگ - چه غربی و چه شرقی از سادگی به پیچیدگی سیر کرد؛ یعنی در جریان پیشرفت، نظام ساده ابتدایی را پشت سرگذاشت، سپس شیوه زندگی برده‌داری را در پیش‌گرفت و در عصر دودمان اشکانی (نه ساسانی آنگونه که محققان شوروی پنداشته‌اند) مرحله نخست جامعه فثودالی در ایران پدیدآمد در روزگار اشکانیان سزمین ایران توسط فثودالهای بزرگ از دودمان اشکانی اداره می‌شد که حتی در تعیین شاه نیز دخالت داشتند.

میتوان پرسید، هرگاه فثودالهای بزرگ از دودمان اشکانی به شکل ملوک الطوایف هریک برخطه‌ای از ایرانشهر فرمانروائی داشتند، در اینصورت سبب پیدایش دولت مرکزی و تابعیت فثودالها از حکومت مرکزی چه بوده است؟

آیا وجود ملوک الطوایف با حکومت مرکزی متضاد و متناقض نیست؟ درست است که وجود ملوک الطوایف متضاد و متناقض با حکومت مرکزی است، ولی پاسخ این پرسش را نخست باید در وضع اقتصادی خاص ایران که رابط میان شرق و غرب بوده و راه ابریشم از آن میگذشته جستجو کرد. نکته دوم صدمه‌ای است که فثودالهای بزرگ ایران از اشغال کشور بدست بیگانگان متتحمل شدند در آن روزگار فاتحان نه تنها مانکیت اقطاعی مالکان ایران را به مخاطره افکنندند، بلکه به سبب عقب‌ماندگی اجتماعی می‌کوشیدند مناسبات برده‌داری موجود در کشور خود را بر ایران تحمیل کنند. این امر بی‌گمان هم سبب ناخشنودی مالکان و هم مایه رنج و اندوه کشاورزان میشد، گرچه پس از چندی مناسبات کم‌نه در مناسبات اجتماعی مستحیل می‌گشت.

ولی بهر نقدی بر انجام استحاله مستلزم خوگرفتن فاتحان به مناسبات اجتماعی پیشرفت و گذشت زمان بود. دو عاملی که پیشتر بدانها اشاره

کردیم سبب میشدند که دودمانهای بزرگ فتووال متعدد شوند تا متصروفات خود را از تاراج بیگانگان مصون دارند. نزدیکی مرزهای رم و راههای بازرگانی که از چین و هندوستان تا ایران کشیده شده بود سبب شد که میزان تولید کالاهای کشاورزی و متعاع پیشه وران فزو نت گردد. افزایش تولید کالانیز خود موجب تقسیم کار اجتماعی و جدا شدن نسبی کشاورزی از صنعت و سپس جدا شدن پیشه‌های گوناگون شد. بی‌گمان ضعف و سقوط حکومت اشکانی با مرحله جدید رشد نیروهای مولد را بلطه داشته است. وجود نوعی مناسبات اقطاعی در جامعه اشکانی و بسط و فزونی دودمان فرمانروا که اشراف بلندپایه ایرانی بودند، در واقع مانع بزرگی در راه رشد نیروهای مولد بشمار میرفت. مناسبات اجتماعی کهنه‌پای بندی برای پیشرفت بود و حدت ایران که به سال ۲۲۶ میلادی به هنگام پادشاهی اردشیر پاپکان صورت گرفت پاسخگوی خواسته‌های نوین جامعه ایران در آن روزگار بود.<sup>۱</sup> و سایلی که دودمان ساسانی برای تحقق بخشیدن به وحدت سیاسی ممالک خود بکار گرفتند موجب تغییرات دامنه‌داری در سازمان اجتماعی ایران شد. اولاً ساسانیان که ارزش و اهمیت دین را در تأمین سازگاری و همبستگی ملی دریافتند بودند، برخلاف اشکانیان، دین زرتشتی را آئین رسمی مملکت اعلام کردند و بدین ترتیب مقام روحانیان را در سلسله مراتب دستگاه حکومت بالا بر دند شاید هم قدرت فرازینه روحانیان از ادوار پیشین تاریخ ایران، به ویژه در آمدهای هنگفت ایشان از محل آتشکده‌ها، آنان را به چنان نیروی اجتماعی عظیمی مبدل کرده بود که ساسانیان از دخالت دادن ایشان در رهبری امور گزیری نداشتند. هنگاهی که کنستانتین، امپراتور روم، به مسیحیت گروید و اشاعه آن را فریضه خود شمرد ضرورت سیاسی

۱- رجوع کنید به مقاله دکتر عنايت الله رضا در مجله بررسی‌های تاریخی، آذر- دی ۱۳۴۹.

حفظ دین رسمی برای شاهنشاهی ساسانی آشکارتر شد.  
ثانیاً ساسانیان برای آنکه قدرت سیاسی واحدی در مملکت  
برقرار کنند خاندانهای اشرافی را از اختیارات سیاسی خود محروم کردند  
و نمایندگان ایشان را در دستگاههای مفصل اداری مملکت به مقامات  
الی برگزیدند.<sup>۱</sup>

ولی این تدابیر اشراف را با حکومت شاهنشاهی موافق نکرد و  
هفت خاندان مهم و کهن ایرانی که از زمان اشکانیان در ایران صاحب  
نفوذ بودند چه بسا دست یکی کرده و با شاه وقت بر سرتقسیم قدرت و  
نفوذ در می‌افتادند و تکیه شاهان ساسانی بر «آزانان» یا نجبای درجه دوم  
روستاها بود. سراسر تاریخ عصر ساسانی پراز داستانهای دسایس اشراف  
عمده و بلند پایه بر ضد دربار و آزادگان (آزانان) است. اشراف روحانی  
و قشر بالای روحانیون که اموال و املاک وسیعی در اختیار  
داشتند، غالباً جانب اشراف عمده (ورزگان) را میگرفتند. اشراف عمده  
که ایشان را ویسپوهران هم میتوانند) بر ضد یزدگرد اول یزدگرد  
گناهکار! دسیسه چیدند واو را کشتن، و هرمزدوم که انسانی ترین پادشاه  
ساسانی بود و در سلب قدرت ایشان می‌کوشید کور و سپس کشته شد. بلاش  
که اقداماتی برای بهبود حال روستائیان بر ضد اشراف روحانی و غیره.  
روحانی به عمل آورده بود از پادشاهی برکنار و نابینا شد. در آستانه  
جنیش عظیم و نیرومند مزدکیان، تعارضات داخلی طبقه حاکم باشد  
بیشتری نمایان گردید. بخشی از مستوفیان و اداری‌های مرکزنشین و حتی  
قباد دل بسوی مزدک آوردند و نهضت مردم را زیر بال گرفتند مسلماً  
علت واقعی گرایش قیاده عشق وی به حقیقت بلکه مصلحت بینی سیاسی

۱- دکتر حمید عنایت، نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام،  
دانشکده حقوق، سال تحصیلی ۴۹-۵۰؛ ۱۷۹ ص.

او در استفاده از مزدکیان برای درهم کوفن هفت خاندان مهم و کهن ایرانی (کارن، سورن، مهران، اسفندیار، سوخراء، سپهبد، زیک) بود، سرانجام با تقویت اشراف کوچکتر زمیندار و قشر نظامیان (ارتشاران) و کارمندان (دبیران) و با استفاده از تضاد داخلی، ورزگان (مانند تضاد کهن بین خاندان کارن و خاندان مهران) و پس از سازش کامل بانیروهای کهن اجتماعی صفوی در قبال مزدکیان بسود دربار و آنها تشکیل میدهد.

شاه مصلحت اندیش و سیاست‌گر ساسانی دیگر بازی با مزدکیان را زائد میداند و به هم‌ستی انوشیروان که محبوب آتشگاه بود در صدد معو آنها برمی‌آید و به نفوذ سی‌ساله‌شان پایان میدهد. در سلطنت انوشیروان موقع اجتماعی قشر فوکانی روحانی و اشراف و زورمندان شهرستانها (ویسپوهران) تا حدی ضعیف شد و دهقانان (دیهیگانان) یا نجبای درجه دوم و مالکان خرد پا قوت بیحد یافتند و بیشتر زمینها را در دست گرفتند و نزدیک‌ترین حلقات اجتماعی به شاه محسوب شدند. در نتیجه این تحول، حکومت مرکزی تقویت گردید و نقش دربار در حیات سیاسی و اجتماعی ایران افزایش شکرف یافت. ولی این وضع چندان نپایید و متعاقب مرگ انوشیروان قدرت حکومت مرکزی که شاهنشاه نمایندگی آن را داشت، بسرعت رو به قهر رفت و مبارزه بین دربار و اشراف بنحو بارزتری از سرگرفته شد. طبیان بعضی از سرداران نامی مملکت علیه سلطنت می‌بن این امر و نشانه‌ایست از قشر بنده طبقه حاکمه و تشید تضاد آنها. دامنه تضاد و کشمکش‌های سیاسی بدحی افزوده شد که هر روز یکی را بر سریر سلطنت می‌نشانندند و روز دیگر سرش را بر زمین می‌کوشنند. این تبدلات ہی در پی رشته کارها را از هم گستت و نایمی زاید الوصفی برکشور استیلا یافت و گردانندگان اقتصاد شهرها و روستاهای در سختی و هرج و مرچ عظیمی افتادند و دهقانان گزندهای فراوان دیدند همه این احوال قدرت اسلام را

تقویت کردو با سقوط تیسفون بدست مسلمانان و ستون پنجم ایشان آخرین  
فصل انحطاط و تباہی رژیم فشودالی ساسانی بسته شد.  
در ایران بعد از اسلام، متعاقب دگرگونی ژرفی که در دستگاه  
مرکزی رهبری اسلامی حادث شد نهادها و سازمانهای فشودالی در کار  
خود به تدریج آزموده‌تر و تواناتر می‌شوند و تضاد «تمرکز» و خودمختاری  
جاده‌تر می‌گردد.

در آغاز عصر عباسی، فشودالیسم تمرکز می‌جوید و مالکیت دولتی  
زمین، با بلع مقداری املاک خصوصی و اراضی روسایی، وسعت می‌باید<sup>۱</sup>  
دستگاه دولتی خلافت بسط یافته پیچ در پیچ می‌گردد و شیوه ایرانی دولتداری  
و بسیاری از بادگارهای شاهنشاهی ایران پیش از اسلام زنده می‌شود، اعضای  
صنف بزرگ منشیان و کاتبان تا اندازه‌ای بسیار از میان اشراف ایرانی  
و ایرانی نما برگزیده می‌شوند و مقام و منزلت اجتماعی بلندی می‌بینند ولی  
این وضع دوام نمی‌آورد و در زمان هارون خاندان بر مکنی مغضوب واز  
مقامات سیاسی محروم می‌شوند و بدنیال سپرده شدن زمام وزارت دستگاه  
مأمون به فضل بن ربيع دوره سیاست برآبری عرب و عجم پایان می‌باید  
واشراف زمیندار ایرانی به عقب رانده می‌شوند و اشراف عرب در هرم  
asherافت تمرکز طلب جای می‌گیرند و مبارزه بین اشراف ایرانی و عرب  
بخاطر اشکال مالکیت ارضی روزافزون شدت می‌گیرد. برای این مبارزه  
و جنبش‌های ملی-طبقاتی، دستگاه دولتی خلافت که حکومت مرکزی و  
تمرکز یافته بوده به ضعف و تباہی می‌گراید، عناصر جدایی طلب نیرو  
می‌بینند و پایه‌های اقتدار محلی خویش را استوار می‌کنند. در عصر دودمان  
سلجوqi، با تکامل اقطاع و تبدیل آن به تیول موروثی<sup>۲</sup>، فشودالیسم غیر

۱- بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۶۴ و ۳۱۹ (چاپ قاهره، ۱۳۵۰ ه).

ابویوسن، الخراج، ص ۶۰ (چاپ لیدن، ۱۳۰۶ ه).

۲- دائرة المعارف اسلامی، متن عربی، ج ۲ ص ۴۷۸.

متمرکز بسط نیرومند می‌باید و اقطاعداران و فتوالها بیش از پیش مقتدر می‌شوند ولی به زودی روزگار عدم تمرکز بسرمی آید. و در دوران متقدم حاکمیت مغول، برای ترمیم کانالها و تنظیم سیستم آبیاری و بسامان کردن اقتصاد عمومی کشور، حکومتی متمرکز وقدرتمند قد علم می‌کند اما چون اشراف نظامی صحرانشین باعتبار ماهیت خود به دولت فتووال غیر متمرکز گرایش دارند، مبارزه بر سر شکل مالکیت زمینداری پرهیز ناپذیر می‌گردد و املاک خصوصی بزیان املاک دولتی وسیع تر می‌شود و سیور غال راه کمال می‌سپارد.

در آغاز دوره بعدی (دوره صفوی) در نتیجه بہبود تولیدات زراعی و گسترش صنعت و بسط تجارت داخلی و خارجی و تمرکز امور اقتصادی در شهرها، نظام زمینداری گرفتار ضعف و بی خونی می‌گردد، حکومتی متمرکز سربلند می‌کند و بر حکومتهای محلی زمینداران سایه می‌افکند، و اقتصاد زمینداری بر اثر توسعه سریع املاک دولتی (املاک خالصه) رو به تمرکز می‌رود. ولی بسبب مقاومت و سختگیری زمینداران و ملک داران محلی به تدریج از اختیارات حکومت مرکزی کاسته می‌شود و سیر استیز «تمرکز» و خود محتراری ادامه می‌باید و دورانهای افشاریه، زندیه و قاجاریه را نیز در بر می‌گیرد. در دوران اخیر، طبقه تازه سرمایه‌دار قوت می‌گیرد و مناسبات جدید بورژوازی نیرومندی می‌باید، مخصوصاً طبیعه صنعت تولیدی هویدا می‌گردد و تضاد حادی میان نیروهای مولد جدید با مناسبات تولیدی و اجتماعی کهن پدیده می‌آید. و سرانجام سرمایه‌داری، که عفونت بیگانه پرسنی خونش را گندانده، یوغ نظامهای اقتصادی و تولیدی قرون وسطی را خرد می‌کند.

از آنچه گذشت، میتوان استنتاج کرد که:

- ۱- فتووالیسم، یعنوان زیرساخت اجتماعی- اقتصادی و اساس سیستم دولتی، در ایران (واساساً در سایر سرزمین‌های شرقی) زودتر از غرب شکل

گرفت ولی دیرتر از آنجا به تجزیه و انحطاط گرایید.

۲- وبهمین ترتیب، عناصر اولیه نظام تاریخی بعدی (سرمایه‌سالاری) در شرق زودتر سربوون کردند. مخصوصاً ایران از نظر رشد نیروهای مولده جدید‌چندین بار از کشورهای اروپایی پیشی گرفت: ایران در روز گار ساسانیان و بیویژه در رستاخیز مzed کیان، از نظر اقتصادی و اجتماعی مراحل عالی را طی میکرد و در قرون نخستین هجری نیز قشراهای صنعتگر و پیشه و روا بازار گان در اقتصاد عمومی کشور نقش بزرگی داشتند و سیر پیشرفت مناسبات سرمایه‌داری در درون مناسبات عده نظام زمینداری به مرحله کمال خود رسید. با اینهمه، و با وجود احراز چنین برتری اقتصادی و اجتماعی، ایران طی سده‌های دراز نتوانست پیشرفت خود را تکامل بخشد و فرماسیون بعدی را جایگزین فرماسیون قبلی کند.

با در نظر گرفتن این واقعیت که اگر در ایران، و اساساً در شرق، نظام سرمایه‌داری زودتر و یادست کم به موازات مغرب زمین پای به عرصه مینهاد مجالی برای مستعمره شدن وزیر دست شدن و رسالت نوکری بر دوش کشیدن باقی نمی‌گذاشت جاداره از عوامل و عوایقی که سیر پیشرفت جامعه ایرانی را پس اندخته‌اند و یا کند کرده‌اند، و مخصوصاً جریان تکامل صنفی و تجاری را قطع نموده‌اند، سردرآوریم، و در یابیم که چرا این تحول و انتقال (از فشو دالیسم به سرمایه‌داری) در مغرب زمین سریعتر و منتظم‌تر از مشرق زمین روی داده است.

در گذشته و حال بسیاری از شرق‌شناسان و دست آموزان ایشان ریشه و ماندگی اجتماعی و پس افتادگی فرهنگی جامعه ما را در ذات اسلام جسته‌اند و می‌کوشند و انمود کنند که اسلام مانع باموانعی بر سر راه پیشرفت فرهنگ مادی و رشد قوای تولیدی پدید آورده و در نتیجه مردم ما را بخاک دریوزگی و تیره روزی نشانده است، نادرستی و شان نزول

اینگونه پندارها برکسانی که در ذات اسلام سازندگی، ترقی خواهی و کمال جویی یافته‌اند کاملاً آشکار است.

اسلام، بخلاف پندار منسکیو، لرد کروم و دیگران، آموزنده‌ی تعقل و سخت‌کوشی، پاسدار شرف و شخصیت‌آدمی، هاتف برابری و برادری و مبلغ اصول مساوات اجتماعی است. اسلام زندگی اجتماعی رانه‌سرای آرامش بلکه عرصه‌ی پیکار دائم میان دونیروی حق و باطل می‌داند و پیروان خود را به عدالت طلبی، انساندوستی و جهاد‌باپستی و تباهی فرامی‌خواند و فرمان میدهد یوغ احکام تحمیلی را در هم شکنند و در پیکار برصدد مخالفان ترقی (دشمنان نقابدار اجتماع) هیچ مصالحه و گذشتی رواندارند، خلاصه اسلام، همانطور که «ماکسیم رودنсон» بدرستی گفته است، در سیر افکار، ارزش والا و مقام بزرگی دارد<sup>۱</sup>. اسلام در طی حیات تاریخی انسان، نخستین مکتبی است که براساس برداشتی عینی و علمی، حکومت روحانیون و حکومت استبدادی هردو را هدف قرار داده و آنها را مایه رکود ذهن‌بشری و مانع تکامل فکر‌آدمی دانسته و در کمال صراحت‌ماهیت ضد مردمی اشراف روحانی و اشراف غیرروحانی را باز نموده نقطه‌عطفری در فلسفه‌سیاسی دنیای قدیم بیان کشیده است از این رومحققان و روشنفکرانی که عقب‌ماندگی تاریخی جامعه‌ایرانی و خصوصیات منفی روحیه‌ایرانیان از قبیل توکل، تسلیم، خرافه‌پرستی، ترس و ملاحظه در بیان عقیده را نتیجه تعالیم اسلام می‌دانند، غبار در چشم دارند و از تعقل تاریخی و انصاف علمی بی‌بهره‌اند. برهمنین سیاق، نویسنده‌گان و پژوهشگرانی که تصوف و جهان‌بینی عرفانی را مایه زبونی امت ایرانی شمرده‌اند برخطاً هستند و

۱- ماکسیم رودنсон، محمد، ترجمه آن‌کارت، لندن، ۱۹۷۱، ۲۹۰ ص  
همچنین نگاه کنید به مقاله دین و دنیاد رکتاب با ارزش «جهانی از خود بیگانه» نوشته‌ی دکتر حمید عنایت

از سیر تاریخ تصویری سطحی دارند. ریشه‌ناتوانی و کندی تکامل جامعه ایرانی را نه در اصول دیانت اسلام و یا تصوف عرفان بلکه باید در عوامل گوناگون اجتماعی - اقتصادی و تاریخی جست.

### ایلغار و استیلای اقوام اجنبی

یک علت مهم کندی و ناپیوستگی تکامل جامعه ایرانی ناخت و تاز و چیرگی اقوام اجنبی است. ایلغار و یورش‌های مکرر اقوام و قبایل بیگانه که گاه مراحل ابتدایی رشد اجتماعی را می‌پیمودند عاقبت نامساعدی از لحاظ رشد اقتصادی و اجتماعی در ایران ببار آورد که میتوان آنرا اینچنین خلاصه کرد:

- ۱- هجوم اقوام بیگانه کرارا تکامل اقتصادی و اجتماعی ایران را از هم گسیخته، مانع می‌شد که جامعه ایران تاندازه‌ای سریع و موزون مراحل رشد اجتماعی را به پیماید.
- ۲- چون اقوام بیگانه بطور کلی، از لحاظ تکامل، مدارج ابتدایی رشد اجتماعی را می‌پیمودند، لذا پس از تصرف هر سرزمین ناگزیر ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی خود را (دست کم از آغاز تادور ان فرار سیدن استحاله فاتحان در مناسبات اجتماعی مغلوبان) بمردم آن ناحیه تحمل می‌کردند.
- ۳- هجوم بی‌دری اقوام مهاجم مانع از آن بود که دودمانهای اشراف زمین دار تادیرگاهی بر یک سرزمین فرمان رانند، زیرا با هر هجوم بیگانه اقطاعات زمین داران میان فاتحان تقسیم می‌شد و مالکان نورسیده جایگزین زمین داران پیشین می‌شدند و این خود مایه سستی و ضعف مبانی فشودالی در ایران می‌گشت.
- ۴- هجوم پیاپی اقوام و قبایل بیگانه ضربتنهای سهمگینی به پیشرفت نیروهای مولد جدید یعنی صناعت و بازرگانی ایران وارد می‌کرد. تاریخ

نه تنها شاهد نابودی گروههای بزرگ پیش دوران و صنعتگران، بلکه شاهد ویرانی کامل بسیاری از شهرهای میهن‌گرامی ما نیز بوده است. ذکر و یادآوری این نکته ضرور است که در میان هجومهایی که به میهن‌گرامی ما شده است هیچیک خونبارتر و مردم‌سوزتر و هول‌انگیزتر و وحشیانه‌تر و ناممیمون‌تر و سرانجام، پراثرتر و امیدکش‌تر از حمله مغولان نبوده است.

به عبارت دیگر، مرحله عمدۀ تضاد بین نظام چادرنشینی و نظام شهری و روستایی در سراسر تاریخ ایران ایل‌غار مغولان بود: چه خوب گفته است آن تاریخ‌نویس واقع‌بین (اگرپس از مغولان هزارسال ایران در آسایش و آرامش بسرمیبر نمیتوانست جبران ویرانگریهای چنگیزیان را بکند).

سازمان اقتصادی و اجتماعی مغول قبل از امپراطوری چنگیز با توجه بشرایط نامساعد اقلیمی و محیط نامناسب طبیعی بسیار ساده و ابتدایی و زراعت در بعضی نواحی که از رطوبت و باران نسبی برخوردار بودند امکان داشت. عظام‌لک‌جوینی مورخ معروف‌زمان مغول مشخصات اقتصادی و اجتماعی طوایف مغول را چنین وصف کرده است: «پیش از خروج چنگیزخان ایشان راسی و حاکمی نبوده است. هر قبیله یا هر دو قبیله جدا جدا بوده‌اند و با یک دیگر متفق نه و دائم میان ایشان مکاوت و مخاصمت قائم بوده و تعرض سرقه و زور و فسق و فجور را از مردانگی و یگانگی میدانسته‌اند و فارات و خورش ازل‌حوم آن و میته‌های دیگر و شراب از بالان به‌اهم و نقل از بار درختی بشکل ناژکه فسوق گویند و همان درخت میوه‌دار بیش نروید و در بعضی کوههای باشد و از افراد سرما چیزی دیگر نه... و براین جمله در ضيق مال و ناکامی و وبال بودند تاچون دولت چنگیزخان افروخته‌گشت از مسابق شدت بفراغی نعمت رسیدند و از زندان بیشان و از بیابان درویش بهایوان خوش و از عذاب مقیم به‌جنایت

نعیم و ...<sup>۱</sup>

از نوشته بالا به روشی میتوان دریافت که قبایل مغول پیش از سلط چنگیزخان بصورت پراکنده زندگی میکردند. طوایف مختلف با یکدیگر خصوصیت داشتند، یکدیگر را به قتل میرساندند و رمه‌های یکدیگر را غارت میکردند. هر عشیره یا قبیله مستقل اداره می‌شد، ادارات و نمایندگان قدرت دولت وجود نداشتند و از محکمه قضا و نیروی انتظامی وزندان نیز خبری نبود. هجوم مغول به ایران در قرن هفتم هجری، در پایان دوره‌ای در تاریخ مغولستان صورت گرفت که در آنجا مقدمات تکوین طبقات فراهم گشته و قبایل مغول به رهبری چنگیزخان جامعه متحد و یگانه‌ای بوجود آورده بودند. تشکیل این جامعه بد و دلیل، خواه و ناخواه درجهت جهانگشایی و هجوم به ملل همسایه سوق داده میشد: اول آنکه می‌بایستی منبع تازه غنائم و عواید در بیرون از سرزمین‌های مغول برای آنها در نظر گرفته شود، بدین معنا که غارت و کشت و کشتار خارجی جانشین جنگهای غارتگرانه داخلی (که موقوف شده بود) گردد. دوم آنکه، اعیان و بزرگان چادرنشین مغول که دارای گله‌های بزرگ بوده وسیعاً بدامداری می‌پرداختند. برای دستیابی به مراتع جدید، جز دست‌اندازی به کشورهای بیگانه و آباد راهی در برابر خود نداشتند.

فتحات خارجی از جهت دیگر برای بزرگان صحرانشین فشودا-

منش ضرورت داشته «باین‌معنی که برای مدت کم و بیش درازی تناقصات طبقاتی را که بیان بز، گان مغول و توده‌آراتهای صحرانشین (چوبانان - خرد) تابع ایشان پذیدآمده بوده ضعیف میکرده و تحت الشاعع قرار میداده. فتحات و کشورگشاییهای مدام چنگیزخان و جانشینان وی نیرومندترین و جدی‌ترین و جوانترین بخش عامه آراتها را از زادگاهشان

دور کرده بود و اجازه داده بود تا بیاری انتظامات نظامی مقیدشان کنند و چنین تلقین کنند که کشور گشایی برای آنان سودمند است، زیرا بخشی از غنائم جنگی را با آن افراد اختصاص میدادند. لفافه و ظواهر پدرشاهی روابط عهد فئودالی، و سازمان قبیله‌ای که محفوظ مانده بوده و غنائم فریبند جنگی... اینها و سایلی بود که بزرگان صحرائشین در امپراطوری چنگیز خان بیاری آنها مردم مغولستان و توده صحرائشین را مطیع رهبری خوبیش ساخته نفوذ و حیثیت خویش را در میان ایشان بالا برد و آنان را برای گشودن و تسخیر کشورهای دور دست بدنیال خود کشانیدند.<sup>۱</sup>

### نتایج حمله مغول

هجوم مغول دگرگونیهای بسیار ژرفی در اقتصاد کشور پدید آورد و خسارات عمده‌ای بر نیروهای تولیدی وارد نمود، از این قبیل:

#### الف - کاهش چشم‌گیر نقوس.

نتیجه عمده هجوم لشکریان چنگیز با بران تقلیل فاحش و کاهش چشم‌گیر نقوس بخصوص مالیات دهندگان روستایی و شهری بوده است. منابع عربی و فارسی ضمن سخن گفتن از «قتل عام» که با مر سرداران چنگیز در بسیاری از شهرها و حومه بلاد صورت گرفت و ارقامی از کشتگان ذکر می‌کنند شگفتی انگیز است. مثلاً طبق منابع مزبور، پس از تسخیر مرو در سال (۱۲۲۱ م. = ۶۱۵ ه.) بگفته ابن اثیر در حدود هفتصد هزار نفر بقتل رسیدند، و بقول جوینی حتی این رقم به بیک میلیون و سیصد هزار بالغ

- ۱- پتروشفسکی، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران، ترجمه کریم - کشاورز، ج ۱ ص ۴۶

میگردیده. ۱ هنگام تسخیر مجدد هرات بدست مغولان که در پایان سال (۶۱۹ ه.) صورت گرفت گویا یک میلیون و ششصد هزار نفر بقتل رسیدند. در بلخ دویست هزار نفر زندگی میگردند و همه آنها را بفرمان شخص چنگیز تا آخرین نفر ازدم تیغ گذراندند.

دختر چنگیز یعنی زوجة تغا چاربیان، که در محاصرة نیشابور برای اصابت تیری کشته شده بود، پس از اینکه مغولان نیشابور را سه بار قتل عام کردند بدانجا «...آمد و مغول هر کس را که باقی مانده بود بفرمان او کشتند و حکم شد آن شهر را چنان ویران کنند که در آنجا بتوان زراعت کرد و حتی سگ و گربه آن شهر را هم زنده نگذارند. مغول نیز چنین کرد حتی گفته اند که سپاهیان تولی هفت شبانه روز در نیشابور ویران آب بستند و در سراسر آن جو کاشتند.»<sup>۲</sup>

#### قتل عام بهشیوه زیر صورت میگرفت:

ساکنان را که قبل اخلع سلاح کرده و بصرحا رانده بودند و مرعوب و روحیه باخته بودند، میان سپاهیان تقسیم میگردند. هر سپاهی افرادی را که سهم وی شده بود بزانو می نشاند و سپس با مشییر و یا قداره سرهای ایشان را از تن جدا میگردد بعد منشیان اسیر را وامیداشتند تا تعداد سرهای بریده را شماره کنند. بگفته جوینی پس از کشتار عمومی مرو در سال (۶۱۸ ه.) شمارش کشتگان (توسط منشیان اسیر) ۱۲ روز بطول انجامید. گاهی که عده محکومان به کشتار دسته جمعی بسیار زیاد بود سرداران چنگیز بر دگان اسیر خویش را مجبور میگردند با تفان سپاهیان در قتل محکومان شرکت کنند.<sup>۳</sup>

۱- پتروفسکی، پیشین، ص ۶۱

۲- عباس اقبال: تاریخ مغول، ص ۵۶

۳- پتروفسکی، ص ۵۲

### ب - ویرانی شدید شبکه‌های آبیاری

یکی دیگر از نتایج سوء تسخیر ایران و ممالک مجاور آن توسط لشکریان چنگیزخان همانا انحطاط و سقوط شبکه آبیاری بوده . ایران کشوری بود دارای زراعت واحدای و آبیاری مصنوعی و شبکه وسیع آبیاری روی زمینی وزیرزمینی .

حاصل بخشی مزارع و باغهای کشور مربوط به نگهداری و تنقیه و لارویی کاریزها و شبکه مزبور بوده است . و برای حصول این مقصود عده کثیری کارگر و صرف وقت لازم داشته است . در بعضی از نواحی ایران قریب سه‌ماه از وقت روزستانیان در سال مصروف کار پر زحمت تنقیه واحباء و تعمیر قنوات می‌گشته . بدین سبب تنها تخریب مستقیم سدها و دیگر تأسیسات آبیاری در امر آبیاری و وضع عمومی کشاورزی کشور تأثیر مرگباری نداشته ، بلکه ویرانی کشور و خالی از سکنه شدن بخش‌های آن و تقلیل جمعیت بالmallازمه عدم کفايت عده کارکنان در روزتا و همچنین خراجی و ویرانی تأسیسات آبیاری بخودی خود موجب سقوط شدید زراعت گشته بوده . باین دو عامل باید عدم تکافوی دامنهای کاری ( برای امور - زراعتی ) و بذر را اضافه کنیم .<sup>۱</sup>

### ج - تقویت دامداری صحرانشینان:

یک نتیجه دیگر فتح و غلبه مغول تقویت دامداری صحرانشینان در ایران و آسیای میانه بوده . «افزایش دامداری صحرانشینی و توسعه سطح مراتع در ایران قرن سیزدهم . یکی از علل عقب‌ماندن اقتصاد کشور بوده است . کشاورزی قدیم و پربرکت ایران که به چیره‌دستی و آزمودگی

۱- پتروشفسکی ، ص ۶۵ .

روستاییان در امر زراعت و باغداری متکی بوده، در بسیاری از نواحی آن سرزمین جای خود را به دامداری صحرانشینی و یا نیمه صحرانشینی تفویض کرد. ولی صحبت تنها بر سر این نبود. مهاجرت و نقل مکان صحرانشینان، جریان تکامل جامعه فتووالی را برای مدتی مدبدموقوف ساخت زیرا اشکال متأخر و عقب‌مانده‌تر فتووالیسم را که در زیر پرده‌ای از رسم و عادات عهد پدرشاهی مستور شده بود تحکیم بخشد و حفظ کرد.<sup>۱</sup>

#### ۵- تغییرات دامنه‌دار در ترکیب طبقه زمین‌دار.

پس از غلبه مغول، اراضی زمین‌داران پیشین ضبط و مصادره گشت و بخشی از ایشان بقتل رسیدند « در دوره مغول در ترکیب طبقه زمین‌دار تغییرات نسبتاً فراوانی راه یافت. نخست باید از اعضای طبقه حاکمه یعنی مغلان یاد کرد که به عنوان مقطوعان و صاحبان املاک شخصی زمینهای نسبتاً وسیعی در اختیار خود داشتند. اختلاف و دشمنی میان اینان و مردم محلی ظاهرا بیش از اختلافی بود که میان طبقه حاکمه سابق وجود داشت.»<sup>۲</sup> هجوم مغول اگر تخته ناتوان یک طبقه زمین‌دار ثابتی هم در ایران بود آن را سوزانید و برباد داد.

#### ۶- قطعه تکامل صنعتی و تجاری :

ایلغار واستیلای مغول ضربه نیرومندی به تجارت و صناعت وارد نمود و زمینه را برای پیدایی طبقه مرفه و دارایی که بتواند ثروت اندوزی کند و میزان تشکیل سرمایه ملی را بالا ببرد و آخر الامر، به ظهور یک طبقه بورژوا بیانجامد برای قرنها سترون ساخت.

۱- پتروشفسکی، ص ۷۱ و ۷۲.

۲- خانم لمتون، مالک و زارع در ایران، ص ۲۰۰.

## بخش دوم

در رد تک سبب بینی و دستیابی به سایر علل

## مقدمه :

از آن جا که سبب شناسی یک دیدی و تک بعدی تحولات اجتماعی و به بیان دقیق‌تر، تحلیل و قایع پیچیده تاریخ بشری به اعتبار یک علت منحصر بفرد - هرچند که آن علت مهم و مؤثر هم باشد - دور از یک روش علمی است، دستیابی به سایر علل برای فهم چرایی درنگ دیرنده تاریخ ایران ضرورت دارد.

ما ابتدا این علل را فهرست کرده سپس به توضیحی مفصل درباره یکایک آنها مبادرت می‌ورزیم:

- ۱- محیط‌نامساعد طبیعی؛ قلت اراضی مشروب و عدم امکان توسعه کشاورزی .
- ۲- دوام و بقای شیوه تولید چادرنشینی در شرایط فثودالیسم .
- ۳- بسط بردگی در متن و بطن نظام مسلط .
- ۴- فقدان شهرهای ممتاز و تسلط نظامیان زمیندار و امراء مالک بر اصناف و بازار گانان .
- ۵- تغییرات ادواری در ترکیب طبقه زمیندار و فقدان اشرافیت ثابت واستوار
- ۶- سرمایه‌گذاری اشراف و امراء فمودال در رشته تجارت و شرکت در فعالیت‌های تولید شهری .
- ۷- تعرض اقتصاد سیاسی غربی؛ سلطه فرساینده‌ی نیروهای استعماری .

## محیط نامساعد طبیعی؛ قلت اراضی مشروب و عدم امکان توسعه کشاورزی

هر چند که مقتضیات اجتماعی بر محیط طبیعی تسلط دارد و «جغرافیا گرایی» یعنی تبیین زندگی انسان با مقولات محیط طبیعی نادرست است ولی بی شک «عوامل طبیعی، مخصوصاً عواملی که دیر زمانی دوام آورند، در چگونگی زندگی و جامعه مؤثرمی افتد، و انسان هرچه ابتدائی تر باشد، بیشتر میتواند عناصر محیط طبیعی را در خود منعکس کند.<sup>۱</sup>» از این رو می‌توان پذیرفت که اوضاع و احوال اقلیمی و محیط زیست ایرانی در ساختن روحیه و جهان‌بینی خاص ایرانی سهمی داشته‌اند مخصوصاً بیانهای کویری بی‌انتها که بخش بزرگی از این سرزمین را فراگرفته‌اند تا حدی توسعه کشاورزی و پیشرفت اقتصاد زمین داری را ناممکن گردانیده‌اند. «... توین بی‌مرد بسیار واقع‌بینی است که بیابان‌ها را به اقیانوس تشبیه کرده است اگر تشبیه او در هیچ‌جا صادق نباشد در ایران ما صادق است. دشت‌کویر و کویر‌لوت همه چیز اقیانوس را دارد جز آب. پنهانه‌ای است وسیع و بی‌انتها و نو مید‌کننده پرازموجهای ریگ روان. در لحظه کوهی از رمل پدید می‌آورد و لحظه دیگر آن کوه را به تنوره باد می‌کشد و در

۱- دکتر آریان‌پور، زمینه‌جامعه‌شناسی ص ۸۲.

فضای بیکران خود می‌پردازد. جاده بینوا از هول آن وسعت بی‌دریغ‌مدام به‌سینه کش کوه پناه می‌برد... بین دو رشته جبال البرز وزاگرس در هر جهتی که حرکت کنید امکان ندارد که در پنهان هموار دشت‌کویر و کویر لوت به‌آبادی یا سبزه و درختی بر سید. آبادی حتماً در پناه کوه و تپه است. کوه سنگر اصلی ساکنان کویر است<sup>۱</sup>

جهان دیده مردی (خانیکف - جهانگرد روی) درباره کویرهای ایران می‌نویسد: «کویرهای گبی و قزل قوم در مقابل کویر لوت دشت حاصل‌خیزی بشمار می‌آیند». برآورد شده است که، در حدود دو سوم از زمینهای ایران بکار کشاورزی نمی‌خورد و «کمی بیش از یک دهم آن قابل کشت است»<sup>۲</sup>

شاردن در این باره می‌نویسد «ایران کشوری است خشک و باری. یک دهم آن نیز مزروع نمی‌باشد». <sup>۳</sup> شاردن توجه میدارد که اراضی قابل زرع هم محتاج آب و آبیاری مصنوعی است یعنی بهره‌برداری از واحدهای کار زراعی در صورتی ممکن است که دشواری‌های آب و آبیاری رفع گردد و قنات‌ها و تأسیسات آبی بهبود یابد. بی‌تر دید نظر شاردن روشنگر و رواست، و بگواهی اسناد اصیل متعدد، مردم می‌هن ما از همان آغاز که به زندگی فلاحتی گام نهاده‌اند با مشکل طغیان آب (در نواحی پرآب) و دشواری کم‌آبی (در مناطق کم آب) رو برو بوده‌اند و از دیرباز برای چیره شدن بر دشواری‌ها در پی چاره‌اندیشی افتاده‌اند و راههایی پدید آورده‌اند که کنندن قنات یکی از آن راههای است.

- ۱- علی‌اصغر مهاجر، زیرآسمان کویر، ص ۴۰
- ۲- جغرافیای مفصل ایران (طبیعی) - صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹.
- ۳- ویلیام هاز، ایران، ص ۲۰۲
- ۴- سیاحت‌نامه شاردن، ج ۱۴ ص ۳۶

در عصر هخامنشی شبکه پیچیده‌ای از ناسیسات آبیاری ایجاد کرده بودند که جلوی طفیان آب را میگرفت و در خشک سالی‌ها ذخایر آب را تأمین میکرد. از نوشتۀ هرودت بر می‌آید که در این غصر منابع آبی کشور به حکومت تعلق داشت - «رودخانه‌های شاهنشاهی متعلق به شاه بودند، و هنگامی که آب برای کشاورزی می‌آمد، یک صاحب منصب حکومتی بر باز کردن آبگیره نظارت داشت و میزان آبی را که هرقبیله یا شهرک باید بردارد معین میکرد. برای باز کردن آبگیره، غواض هنگفتی دریافت میشد که بعداً به خزانه‌داری شاهنشاهی احالة میگشت.»

احداث ، مرمت و نگاهداری نهرها، مباشرت در امر آبیاری، عدم امکان مباشرت فردی در این مساله حیاتی، دخالت تمرکز دهنده دولت را امری ضرور و گریز ناپذیر گردانده است . در ایران دوره ساسانیان برای تنظیم و تنسيق آبیاری، ساختن و نگهداشتن بندها و شادروانها و خرندها ولارویی کردن کانالها و جویها... دیوانی پدید آورده بودند که آنرا «کاست افزود» می‌نامیده‌اند در این دیوان آبهای هریک از دارندگان حقابده را و آنچه بر آن افزوده یا کم می‌شد یا ازنامی بنامی برده می‌شد، نگه میداشتند<sup>۱</sup> . دیوان آبیاری وظیفه داشت که ازویژگیهای آبیاری هر شهرستان و هر کشتزاری آگاهی داشته باشد تا بتواند کار آبیاری در سراسر کشور را به سامان کند و پیوسته بر آن بنگرد تا از آبهای بیشترین بهره گرفته شود. «ایرانیان گفته‌اند: آنکه از روان ساختن آبهای و کندن جوی‌ها واستخرها و بستن راه بر سیلا بهما و زمینهای گودو کاهش و افزایش آبهای در روزهای سال و گردش ماه و حساب رویمه گوش و چهار گوش و چند گوش و ساختن پلها و جسرها و چرخابها

۱- خوارزمی، مفاتیح العلوم ص ۶۸-۶۹، (چاپ، اروپا)

بررودها و دشواری‌های حساب آگاهی ندارد در دبیری ناتوان است<sup>۱</sup>. از نوشتۀ بالا بخوبی میتوان استنباط کرد که آبیاری مصنوعی بوسیله کانالها و مؤسسه‌های آبیاری پایه کشاورزی را تشکیل می‌داده و مردم به رهبری تمرکز طلبانه دولت در تأسیسات آبی نیاز فراوان داشته‌اند و چون جامعه فنودالی ایران طی حیات تاریخی خود، دستخوش بحران عمیق و آشفتگی دایم و در نگ ناپذیر بوده و مبارزه مداوم و مستمری میان مرکزیت دولتی و پاشیدگی و عدم مرکزیت جریان داشته‌آبیاری مصنوعی و شبکه وسیع آبیاری زیرزمینی (چاه و کاریز یا قنات - یعنی دالانهای طویل و گاهی عمیق زیر زمینی برای انتقال آبهای تحت‌الارضی بروی زمین) و روی‌زمینی (جویها و نهرها و جویبارهای کوه‌سنگی) روابط حفاظت میرفته و در نتیجه از مساحت اراضی مشروب کاسته می‌شده. بنابراین نبودن منابع کافی آب با وجود اراضی کشت پذیر و قابل زرع و بدیگر سخن، قلت اراضی مشروب، ویژگی بارز زراعت ایران در سراسر دوران حاکمیت فشووالیسم بوده. در رد نظرات سیاسی «کارل و یتفوگل»، تأکید میکنیم که در ایران و سایر کشورهای آسیا و افریقا کمبود آب نه عامل اصلی عقب ماندگی اقتصادی و فرماندگی اجتماعی بلکه یکی از عوامل تقلیل تولیدات کشاورزی و کاهش سطح زمین زیر کشت بوده است. و یتفوگل که از فعالان انتربنیونال سوم بود و بعدها از مریدان «Way of life» امریکایی شد<sup>۲</sup> برای اثبات نظرات سیاسی خود از آن باک نداشت که عقاید علمی را مسخ کند و واقعیت‌های تاریخی را دگرگونه و نماید. وی در اهمیت نقش آب و آبیاری مصنوعی مبالغه

۱- ابن قتیبه دینوری، عيون الاخبار، ج ۱ ص ۴۵-۴۶، (چاپ، قاهره)

۲- ۱۲۴۳

تاریخ پویا، گردآورنده بهروز انام، ص ۱۰۷.

کرده و تا آنجا پیش رفته است که کلیه تکوین تأسیسات و روابط اجتماعی جوامع شرقی و راز تغییر ناپذیری آنها را فقط در این عامل جسته و تعمداً از سایر عوامل اجتماعی، اقتصادی و تاریخی غفلت ورزیده است، بنظر او جوامع افریقا، آسیا، امریکای لاتین و اروپای شرقی همگی از نوع «جامعه آبی» (Hydraulic Society) هستند، و بهمین جهت مکرر از «اقتصاد آبی» و «ساخت یا نظام طبقه‌ای در جامعه آبی» و «طبقات جامعه آبی» و «دولت آبی» و «استبداد آبی» وغیره سخن می‌گوید.

مطابق پندرار ویت فوگل اگر در خاورزمیں هفت «دیسپوتیزم شرقی» یعنی «خشن‌ترین شکل حکومت»<sup>۱</sup> پیدایش یافتد و بالنه گشت و پا گرفت و اگر اشرافیت ثابت و استوار و دیرنده پذید نیامد و اگر موقعیت بازرگانان در جامعه پست‌گردید و اگر سازمانهای دولتی و دستگاههای پیچیده اداری بوجود آمدند و محل زندگی اجتماعی شده‌اند و خلاصه اگر شالوده عده عناصر اقتصادی - اجتماعی دست نخورده باقی ماند، اینهمه را علت آنست که درین جوامع مشکل اساسی مبارزه بشر باطیعت مسئله تنظیم آب و آبیاری است و چون مساله مبارزه با آب امری دائمی و همیشگی است انقلاب در شرق امری دشوار است و شرقيان به آسانی جوامع باخت نمی‌توانند بنیاد «استبداد شرقی» را براندازند و از آزادی و اصول دمکراتی فیض جویند! بخلاف نظریت فوگل، عواملی که بنیادها و نهادهای سوسیو-اکنومیک را در شرق پی‌افکنده‌اند و نهادهای انسانی را کنده‌اند و تولیدات را به پایین برده‌اند و قوای مولده را دچار رخوت و رکود ساخته‌اند قطعاً، و در درجه اول، عوامل اجتماعی - اقتصادی هستند و آب، وبطور کلی عوامل جغرافیایی، اوضاع واحوال اقلیمی و سرمیانی

۱- ویت فوگل، استبداد شرقی، نیوهاون، چاپ سوم، ۱۹۵۹، صفحه‌های

در پدیدآوردن نهادهای اقتصادی و برقراری روابط خاص اجتماعی تأثیری  
اندک داشته‌اند.

برخلاف پندار ارتجاعی آقای وینفوگل، هرگز نمیتوان ضرورت  
جاودانی ببعدالتنی طبقاتی و فساد رژیم اجتماعی را در شرق ثابت نمود و  
انقلاب در این منطقه از جهان را امری غیرممکن شمرد. بی‌بهرگی شرقیان  
از آزادی سیاسی و حریت اجتماعی معلول عوامل گوناگون تاریخی، سیاسی  
واستعماری است و با ریشه کنی این عوامل، ساخت اقتصادی دیرینه و رو  
ساخت آن در هم می‌شکند و آزادیهای اصیل اجتماعی و سیاسی تحقق  
می‌پذیرد. نه آیا در روزگار کنونی، در بسیاری از کشورهای شرقی که  
دیرگاهی شالوده اساسی عناصر اقتصادی - اجتماعی‌شان دست نخورده  
باقی‌مانده بود - انقلاب اجتماعی و تحول بنیادی ژرف امکان یافته است؟  
ونه آیا سازمانها و نهادهای اقتصادی و سیاسی دگرگونی اساسی  
پذیرفته‌اند؟ و نه آیا مردمان این کشورها دشواری‌های آب و آبیاری را  
از میان برداشته‌اند و از آزادی واصول دمکراتی فیض فراوان جسته‌اند و  
بهردها برده‌اند؟

# ۴

## دوم و بقای شیوه تولید چادرنشینی

در شرائط فئودالیسم

تبرستان

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

بعکس جامعه‌های فئودالی غرب در ایران و خاورمیانه، نظام ایلی دوام و بقا داشته و شیوه تولید چادرنشینی تامدت مدیدی بصورت معینی حفظ شده است. بطور کلی باید گفت یکی از مختصات رشد اجتماعی و تاریخی جامعه ما آن است که صورت بندی (فرماسیون) های اجتماعی در آن هرگز بشکل خالص نبوده است. در دوران برداشت (که اصولاً بسط و نکامل خود را بشکل جنسی و فرعی و درمتن نظامات دیگر طی کرده) نظامات پدرشاهی و دودمانی و مناسبات ایلی و پاره‌ای از خصوصیات فئودالی بسی رایج و نیرومند است، و بر عکس در دوران فئودالی بقایای نیرومند برداشت و نظامات پدرشاهی و دودمانی وجود دارد و تعداد بیابان- گردان و دهستان فئودالیزه نشده فراوان و تصادم چادرنشینان گله‌دار و کلبه‌نشینان زمین کار امریست عادی.

در اجتماعات ایلی و در میان طوایف چادرنشین روابط پدر سالاری و اقتصاد طبیعی و تولید یدی خانگی مسلط است. گاو، و بطور کلی رمه، مهم‌ترین منبع تولید و ثروت بشمار می‌آید. تضاد اقتصادی و فرهنگی میان صحرانشینی وزراعت و صناعت که وجه مشخص غالب ادوار تاریخ ایران

است در سرنوشت تولیدات روستایی و شهری انکاس نامطلوبی داشته است. بدینه بیان دیگر، طوابق بیابانگرد و ایلات داخلی، تأثیر زیان مند بر کیفیت زندگی اقتصادی ما داشته‌اند و خود نیز به سبب ماهیت تولید و نظام اجتماعی حاکم بر ساختمان قبیله‌ای‌شان در وضعی ممتاز نبوده‌اند، و در این ایام نه چندان دور و در روزگار اخیر در فقر و جهل و مرض به آلودگی بدسر برده‌اند.

فقر و جهل آنها را واداشته است تا حداقل استفاده را از منابع خدا داد خود برند، سهل است، در مواردی بسیار آنها را نابود کنند. جنگل‌ها را ویران کرده‌اند، چراگاه‌ها را به طریق نادرستی مورد استفاده قرارداده مهمل رها کرده‌اند. واژ زمین‌ها کمترین استفاده را برده‌اند. کمترین اطلاعی از تولید فتووالی و شخم درست و انتخاب بذر و کود و اصلاح نژاد دامها نداشته‌اند، و بدین سبب از فلاحت خود به سادگی راه به بیرون نیافتدند. در اقتصاد روستایی ما بیلاق و قشلاق کردن ایلها همواره بلایی برای زارعان بشمار رفته است و چنانکه معتبر آنان درین آمدودش فصلی از کنار ویا از میان زمین‌های مزروع بوده محصول دهنشینان دستخوش زیانهایی میشده است.

به گفته پتروفسکی: «دامداری صحرانشینی در ایران با کوچ فصلی قبایل صحرانشین که از مراتع قشلاقی بدیلاق و بالعکس حرکت میکردند وابسته بوده. در تابستان موج صحرانشینان کوه‌ها را فرامیگرفت و در زمستان بجلگه بازمیگشت و در ضمن این انتقال صدها کیلومتر مسافت را در می‌نوردید. مثلاً قبایل صحرانشین که مراتع بیلاقشان در شاخه‌های جبال زاگرس قرار داشت برای قشلاق به خوزستان - یعنی ۶۰۰ - ۵۰۰ کیلومتر دورتر از مرکز بیلاقی - نقل مکان میکردند. درین راه غالباً دامها را در کشتزارها رها کرده و مزارع را پایمال میکردند. صحرانشینان همواره

مسلح بودند و از سازمان قبیله‌ای نیرو می‌گرفتند و چنانکه فرصتی بدست می‌آمد از غارت روس تاییان فاقد سازمان و بی‌سلاح و بی‌دفاع روی‌گردن نبودند.<sup>۱</sup> پدیده‌ی غارت و (غنیمت بری) که پتروشفسکی از آن بیاد می‌کند در اقتصاد شبانی چادرنشینان سهم مهمی داشت که فقط بهنگام کوچ نصلی صورت نمی‌گرفت. افراد ایل اسکان یافته نیز غالباً در جستجوی غارت و غنیمت بردن بودند.

«با حتمال قوی بد علل خشکسالی و مرگ و میر دامها غارت دریک جامعه چادرنشینی اهمیتی فوق العاده می‌یابد و سهم خاصی در تولید پیدا می‌کند، طرز فکر و روحیه و سیاست غارتگرانه و روحیه غارت، که تحت تأثیر شیوه تولید چادرنشینی بصورت جزء لاینفکی از ارزش‌های جامعه چادرنشینان مبدل می‌شود، با گذشت زمان تبلور یافته و جزیی از فرهنگ چادرنشینان شده است.»<sup>۲</sup> بهمن بیگی که یک‌چندی در میان ایلات و طوایف چادرنشین زیسته نشانه‌هایی از بقایای این شیوه غارتگرانه را مشاهده کرده است. بگفته او سرقت‌های مختلف و دزدیهای شبانه (وبه تعییر صحیح غارت و غنیمت‌گیری) در میان ایلات رواج دارد. هیچ‌یک از حکومتها و حکام و ایلخانیها و دولتها تا کنون نتوانسته‌اند این جرم و یا بزبان دیگر این شغل را از بین برده یا بنحو کاملی تخفیف دهند.

«در میان قسمتی از ایلات سرتیکنوع شجاعت و دلاوری بشمار می‌آید و مهارت در این زمینه را قابل فخر میدانند.»، «در برخی از طوایف شان دزدی و دزد بقدری اجل است که صاحبان دختر جز بفردی که علاوه بر شرایط دیگر از عهده دزدی و راه‌زنی خوب برآید دختر نمی‌دهند. مردی را بیاد دارم که سبیله‌ای کشیف و دوغ‌آلود خود را تاب میداد و می‌گفت

۱- پتروشفسکی؛ کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران، ج ۲ ص ۱۲۹.

۲- خسرو خسروی، جامعه‌شناسی روس تایی ایران، ص ۵۷.

چگونه بجوانی که شبگردی نداند دختر خودم را بدهم. گاهی سرقت چیزی از کسی مورد تشویق بوده سارق بدریافت جایزه‌ای موفق میشود و مثلاً کدخدا ای بجوان جسوری که بتواند اسب فلان کدخدا را از کمند اسپانش باز کرده و بیاورد انعام میدهد.»

«در راهزنی‌ها و غارتگری‌ها که متولّ بزوئ و اسلحه میشوند برای مسلحین و جنگجویان سهم بیشتری محفوظ میگردد، در صورتیکه کدخدا طایفه یا کلانتران کوچک نیز از موضوع مطلع باشند و بصواب دید آنان راهزنی انجام گرفته باشد عشیره نیز با آنان پرداخت میگردد.»<sup>۱</sup> بی‌شك این عادات و فرهنگ خاص جامعه ایلی، طی تاریخ باعث تشدید تضاد بین چادرنشینان و آبادی‌نشینان شهر و روستا شده کرارا به برخوردهای خونین و مسلحانه انجامیده است، و چون در این برخوردها مردمان دلاور و جنگجوی عشاير غالباً پیروز میشندند باقتضای مختصات تاریخی خود نظام فلاحتی را برنگ نظام شبانی در آورده اراضی و زمینهای زیر کشت را ویران کرده بجای مرتع از آن استفاده میکرند.

۱- بهمن بیگی، عرف و عادت در میان عشاير فارس، بنگاه آذربایجان، تهران، سال ۱۳۲۴، ص ۴۰-۴۳.

# ۳

## بسط بردگی در متن و بطن نظام مسلط تبرستان

بسط نیرو مند بقایای بردگی در شرایط فتووالیسم و به عبارت دقیفتر،  
دوام و تجدید روابط بردۀ داری در درون مناسبات عمله و نظام اقطاعی  
یکی از علل تنزل تاریخی و پس رفت اقتصادی جامعه ایرانی به شمار می‌آید،  
در حالیکه در جامعه‌های فتووالی غرب بندۀ داری به زودی از میان رفته  
بود و صاحبان اراضی به بقایای بردگان، زمین داده و در واقع آسان را  
 بصورت روستائیان مقید به زمین در آورده بودند. در ایران و بسیاری از  
کشورهای آسیا و افریقا تا مدت مديدة بردگان را در تولیدات یعنی در  
زراعت و حرف و صنایع و دامداری صحرانشینان بکار واداشتند.

### کار بندگان در عهد اشکانیان :

برخی از پژوهندگان از جمله تنی چند از مورخان شوروی چون  
پیگولوسکایا، دیاکونف و دیگران<sup>۱</sup> مدعی هستند که مناسبات تولیدی  
حاکم در جامعه ایران اشکانی منطبق با «اسلاواز» تاریخ اروپاست،  
یعنی نیروی عظیم تولید باکار و کوشش بردگان میگشت و طبقه‌بهره کش

1- History of Iranian, Moscow, 1957.

واعضای گروههای حاکم را بردگه داران تشکیل میدادند.

گرچه بردگی در جامعه طبقاتی اشکانی بسطی فراوان و جایی مسمی داشته ولی با همه اینها پدیده‌ی جنبی بوده و نمیتوان آنرا مشخص اصلی نظام اجتماعی دانست. اصطلاح کلی بردگه در ایران همان اصطلاح «بنده» است ولی اصطلاحات دیگری هم چون «آنسپریک» و «ریسک» نیز وجود داشته است. بردگان کارهای گوناگون انجام میدادند. از وجود «ریسک» و «بنده» بیشتر در خانه‌داری و در معادن پادشاه و امور متعلق به معابد بهره میبردند و بخش اعظم آن شهریکان یا بنده‌گان بیگانه در املاک خصوصی «دستکرد»‌ها بکار مشغول بودند.

انشهریکان آزادی نسبی به میزان یک دهم یا بیک چهارم داشتند و به نسبت آزادی خویش می‌توانستند از حاصل کار و زحمت خویش بهره‌ور شوند؛ همچنین می‌توانستند این حق خود را به اخلاقی که پس از حصول آزادی نسبی ایشان زاده می‌شدند واگذار کنند. بردگاهایی که در «دستکرد»‌ها بکار اشتغال داشتند یکنوع ابزار و ادوات این ملک بشمار می‌آمدند و همراه «دستکرد»‌ها فروخته می‌شدند. دستکردها از لحاظ اندازه متفاوت بودند، بعضی کوچک بودند، بطوریکه یک یا دو بردگه در آنجا کار میکردند و برخی وسیع و بزرگ، بطوریکه شمار بردگه‌ها حتی به پانصد هم بالغ میشد.

### کاربنده‌گان در زمان ساسانیان :

در فهرست رسمی زمره‌های جامعه ساسانی از بنده‌گان (بنده) سخنی نیست ولی در آن هنگام در شهر و ده در صناعت و فلاحت بنده‌گان بسیار مشغول کار بودند که بدو گروه اساسی تقسیم می‌شدند: ایران شهریکان یا بنده‌گان ایرانی و انشهریکان یا بنده‌گان خارجی که اکثریت عددی

متعلق بدینان بود.

مجموعه قوانین ساسانیان بنام «ماتیکان هزار داتستان» در باره بردها و نقش آنان در اجتماع و وضع حقوقی آنها اطلاعات مهم و سودمندی میدهد: بر دگان را در معرض خرید و فروش قرار میدادند و حتی قیمت یک برده پانصد درهم تعیین شده بود. آنها را هدیه میدادند، وقف معابد مینمودند، گرو میگذاشتند و در صورت ارتکاب بعضی از جرایم افراد را به بردگی میگماشتند. مواردی هم وجود دارد که سکنه یک شهر یا سرزمینی موقع تصرف به برده مبدل میشدند ولی آنچه در این مجموعه واجد اهمیت است اینست که از کار بر دگان در کشاورزی استفاده میشدو کشتزارها را همراه با برده میفرخندند.

#### کاربندگان در روزگار اسلامی :

غلبه عرب و اسلام تحول کیفی، و غالباً در سمت مثبت، در جامعه ایران، که در چارچوب رژیم کاست و شیوه های تشویک را بسته کرد، ایجاد کرد و انرژی خلاق مادی و معنوی مردم را تا حدود زیادی آزاد ساخت، مخصوصاً در وضع زندگی تولید کنندگان شهری بهبود و پیشرفتی پسندید آورد و شرایط ذهنی و ترقی مادی را فراهم نمود.

ولی با همه اینها درجهت امحای شیوه بر دگی اقدام جنسی و اساسی بعمل نیامد و رژیم موحش و ظلمانی بر دگی بشکل جنسی و فرعی کما کان بسط خود را در متن و بطن نظام مسلط پیموده است. هنگامی که اسلام در قید و قالب تعلقات طبقاتی و دو دمانی و خانوادگی فرو افتاد، و هنگامی که ضربه کاری و نیرومندی به رژیم اجتماعی و سیستم حکومت اسلامی وارد آمد، و هنگامی که خداوندان جامعه به شیوه مألوف خود، قرآن را دام

تزویر کردن، بردگی امری طبیعی و اسلامی انگاشته شد و با آغوش باز پذیرفته گردید. در خلافت عثمان، اشرف نورسیده و بخشی از سران پیشین قبایل برای جنگها هزاران بلکه ده ها هزار بردگه بدست آوردند و در کشاورزی و شبانی و باغبانی و حرف از ایشان بهره کشیدند. «بردگان را در شهرهای عربی و در تمام نقاطی که مسلمانان فتح کرده بودند بکار گماردند»<sup>۱</sup> «دوش بدوش طبقه ملاک، بندگانی بسر می بردند که رشته حیات صاحبان خود را در دست داشتند و چرخ زندگانی ایشان با همه هوسرانی و بطالت و هوی پرستی که در آن بود بدست آنان میگردید». <sup>۲</sup>

در دوره امویان استفاده از کاربردگان بطور محسوسی افزایش یافت. معاویه که بگفته خودش «نخستین ملک اسلام» است تنها در یک منطقه به وضعی بی رحمانه از چهار هزار بردگه بهره کشی میکرد و سالیانه در نتیجه رنج ایشان ۱۵۰ هزار شتر بار خرما و ۱۰ هزار کيسه غله بدست میآورد. جنگ و اسارت منبع اصلی بردگه داری شمرده میشد و بندگانی هم که در بازارهای بردگه فروشی در معرض خرید و فروش قرار میگرفتند، در نتیجه جنگها و دستبردها و حملات غارنگرانه به بندگی در آمده بودند، از این رو هرچه فتوحات امویان بیشتر میگردید برشمار بردگان افزوده میگشت. برای مثال موسی بن نصیر در جنگهای افریقا سیصد هزار اسیر گرفت و برطبق قانون مالیات رژیم اموی خمس آنرا که شصت هزار بردگه بود برای شاه (خلیفه) وقت فرستاد<sup>۳</sup> این بندگان سیاه، بیشتر در منطقه عراق در امور آبیاری و کشاورزی بکار گمارده شدند و سیعانه بهره کشی میشدند. با تشدید بهره کشی و افزایش تعداد بردگان مبارزه آنها برای آزادی

۱- دکتر طه حسین، الفتنه الكبرى، ج ۱، عثمان (چاپ مصر) ص ۱۰۶.

۲- همان کتاب، ص ۱۰۵.

۳- ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۴ ص ۲۵۹ (چاپ ۱۳۰۵).

نیز شدت میبایفت. در اواخر سال ۷۰ هجری بردگان سیاهپوست در اطراف بصره سربطغیان برداشتند و محصول خواجهگان و اربابان را بازداشت کردند و این قیام چندسال طول کشید تا خالد بن عبدالله والی بصره شد و لشگری بسرکوبی ایشان گسیل داشت و سران ایشان را اسیر کرده به دار آویخت. بسال ۷۵ هجری که سرداران عرب بصره بسالاری ابن الجارود بسبب کمی مواجب برحجاج شوریدند زنگیان از این فرصت استفاده کرده بر عصیان خویش افزودند و انبوه ایشان در فرات گرد آمدند و کسی را بنام رباح ملقب به «شیرزنگی» بخود امیر کرده شورش آغاز کردند. و چون حجاج شورش ابن الجارود را در سیل خون شست به روئیس شهربانی (شرطه) خود در بصره زیادbin عمر و دستور داد تا سپاهی بجنگ ایشان فرستد. زیاد، لشکری بسرداری فرزند خویش حفص بسوی آنان گسیل داشت. لشکر حفص در اثر مقاومت شدید زنگیان شکست خورد ولی زنگیان از این پیروزی استفاده ننمودند تا زیاد با لشکر دیگری بر ایشان بتاخت و آنرا شکست داد و سران جنبش را تارومار کرد. از آن‌چه گذشت، بخوبی برمی‌آید که بردگان قیام‌کننده برنامه مشخص و روشنی نداشتند و تنها روزگار تحمل ناپذیر و نفرت از مظالم اربابان انگیزه و راهبردان بود.

به حال این بندگان همچون بردگان تولیدی و خانگی و سرایی خراسان در برانداختن یوغ امویان و پیروزی عباسیان سهمی داشته‌اند، ولی پیروزی عباسیان به معنی تحکیم نظامات فتووالی و زمین‌داری کلان بود. بندگان همچون سایر رنجبران و تمیستان نه تنها از حقوق انسانی و اجتماعی چیزی بدست نیاورند، بلکه شرایط زندگی و کارشان در دوران متقدم خلافت تو انفرساتر شد. کار بردگان بنحو قابل ملاحظه‌ای وسعت یافت و تعداد آنها رو به فزونی نهاد. دهها هزار اسیر جنگی که خلفاً و امرا با خود آورده بودند، به بردگان مبدل شدند و دوشادوش بردگان زنگی

و دیگر بردگان برای خلافت و مؤسسات خصوصی کار میکردند.

بخشی از این بردگان کارگران «شورجیین» بودند. معنی «شورجیین» به گفته مرحوم عباس خلیلی «شیره کش خانه است که در آن زمان کارخانه برای روغن‌گیری و شیره گیری از خرما سیار مهم بود و روغن برای چراغ وغیره میگرفتند. مالکین شیره کش خانه بردگان را بگارسوا می‌داشتند و مزدشان را می‌گرفتند غذای بردگان شیره کش خانه و بردگان دیگر غالباً عبارت بود از مشتی آرد یا بلغوری با قدری خرما».

مردمی که در چنین وضع ناگواری زندگی می‌کنند و اسیر وجوده گوناگون فشار (فشار بدنی: کتن، شکنجه و فشار روانی: تقبیح، تحقیر...) و فشار اقتصادی: محرومیت‌های مالی) هستند همیشه منتظر فرصتی‌اند تا به مبارزه علیه عوامل بوجود آورنده فشار برخیزند و خود را از فلاکت رهایی بخشنند.

هنگامی که روزگار رونق و نیرومندی خلافت عباسیان پایان یافت و هنگامیکه هوشمندان دلسوز آنzman به بیدارگری برخاستند این فرصت بردگان زنگی را دست داد، و مقارن عهد خلیفه مهتدی، یه هم دستی بندگان سفیدپوست موسوم به فراتی و قرماطی و نوبی قیام نیرومند و بنیاد کنی راه اندختند و خواب از چشمان صاحبان امتیازات اجتماعی ربوذند.

#### نام و شخصیت سالار قیام زنگیان :

قیام در تحت ریاست علی بن محمد علوی. از نوادگان شهید کربلا - وقوع یافت. علی بن محمد که بعدها صاحب الزنج (زنگی یار، دوست و رفیق زنگی) لقب گرفت. در خاندان علوی خود با روح شیعیگری و دشمنی با خاندان عباسی بارآمد و احساس ستاندن انتقام شهیدان خاندان علوی در او قوی بود و خود جوانی بود متینکر، درس خواننده و دارای طبع شعر

«بکودکان نحو و خط تعلیم میداد، زبانی گرم و سخنگو داشت، شعر میسرود و اشعارش بدلها می نشتست».<sup>۱</sup>

گفتنی است گرچه اجداد علی بن محمد از اعراب بوده‌اند ولی خود وی و پدرش و پدر بزرگش زاده و پروردۀ خاک ایران و از مردم مضائقات شهری ری بوده‌اند.<sup>۲</sup>

روشنفکران ایرانی و قیام زنگیان :  
تبرستان

عده‌ای از روشنفکران ملی و مترقبی ایران که بمنهنج شیعه گروش و دلبستگی داشتند در توان بخشی و سازمان دهی نهضت زنگیان نقش مهمی ایفا کردند از آن جمله‌اند بهبود و محمد بن حسن بن سهل شیمله. بهبود که یکی از سالاران مشهور رنگ بشمار میرفت مردی شجاع، بی باک و دارای روح مخالف با دستگاه زور بود و بارها بسپاه «موفق» شکست وارد کرد. ابن اثیر میگوید: «وی بسیار حمله و نبرد می‌کرد و کشتی‌های جنگی (سمیریات) را می‌کشید و بر آن‌ها پرچمهای موفق را می‌افراشت که سپاه موفق را فریب دهد چون دشمن را ناتوان می‌دید او را بامال بسیار می‌ربود. ابوالعباس (پسر موفق که بعداً خلیفه شد و معتقد لقب گرفت) در برخی نبردها با او مقابله کرد. او پس از نزدیک شدن به لامک گریخت پس از آن روزی یکی از کشتی‌های ابوالعباس را دید که حامل یاران جنگجوی او بود آن را بامید پیروزی قصد کرد و خواست آنرا برباید که یکی از غلامان ابوالعباس او را بانیزه طعنه زد، نیزه بشکم او فرو رفت و او در آب افتاد یارانش او را نجات دادند و برداشت و پیش از آنکه بسپاه آن پلید (ابن اثیر بارها علی بن محمد رهبر زنگیان را پلید و دشمن خدا

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳ ص ۱۳ (چاپ بیروت). ابن اثیر

۲- ابن ابی الحدید، ج ۷

۳- طبری، ج ۷

خوانده است!). برسد هلاک شد (۲۶۸ هجری). خداوند مسلمین را از شر او آسوده نمود. قتل او یکی از بزرگترین پیروزی‌ها بشمار میرفت. فاجعه او برای آن پلید، ناگوار و شدید بود، هواداران و سرسرپرده‌گان او سخت بنالیدند و پریشان شدند، چون موفق خبر قتل او را شنید غلام قاتل را نزد خود خواند و خلعت و طسوق (نشان آن زمان) داد و برمواج به افزود. تمام آنهاییکه در آن کشتی بودند مانند آن غلام مشمول انعام و احسان گردیدند.<sup>۱</sup>

\* \* \*

محمد بن حسن بن سهل برادرزاده فضل بن سهل ذولریاستین بود. یاقوت حموی گزارش زندگیش را در معجم الادباء آورده است<sup>۲</sup> وی مردی نقاد، سلحشور و اندیشمند بود و با فساد اخلاق سیاسی طبقه حاکم سر پیکار داشت کتابی در تاریخ نهضت زنگیان و نهضت قرمطیان نگاشته است<sup>۳</sup> و طبری بیشتر داستانهای نهضت زنگیان را از گفته وی آورده است. طبری از گفته خود او آردکه: در سال ۲۶۲ در اهواز زیر نظر علی بن آبان فرماندار زنگی کار می‌کردم<sup>۴</sup> و نیز طبری چگونگی توطئه او را با محمد بن سمعان (منشی رهبر زنگیان) آورده است<sup>۵</sup> ولی درباره چگونگی نجات وی از مرگ پس از شکست نهضت خبری نداریم و شاید همdest او (محمد بن سمعان) که پیش از وی خیانت کرد و بدشمن پیوست اورا نجات داده باشد. بهر حال او در کتاب «اخبار صاحب الزنج» که مدرک کار طبریست

۱- ابن اثیر، ج ۷ ص ۱۳۱-۱۳۲.

۲- معجم الادباء، ج ۱۸ ص ۱۴۴-۱۴۵.

۳- مسعودی، مروج الذهب، ج ۲ ص ۳۱۲ و ۳۱۳ (چاپ ازهار ۱۳۰۰).

۴- طبری ج ۸ ص ۳۱۰.

۵- طبری ج ۸ ص ۱۱۱.

خود را مخالف زنگیان قلمداد کرده گوید ناچار از همکاری با ایشان بودم<sup>۱</sup> ولی این سخن وی درست نیست و بقول شیعه «تفیه» کرده، چه پس از شکست نهضت نیز فعالیت ضد دولتی داشته و عاقبت در اثر توطئه ایکه علیه معتقد عباسی کرده بود و پس از بازرسی خانه اش لبست مخالفین از آنجا بیرون آمد، بدستور خلیفه زنده زنده روی آتش کبابش کردند<sup>۲</sup>

### مجلس مشورتی یا ستاد جنبش زنگیان : تبرستان

غیر از سالار قیام زنگیان (علی بن محمد) شش تن دیگر بنام علی، پسر آبان مهلبی، ویحبی، پسر محمد، و محمد، پسر سلم، و سلیمان، پسر جامع زنگی، و مشرق ورفیق دستگاه رهبری جنبش را اداره میکردند. ایشان از سران جنبش زنگی بودند و بجای دستوران و وزیران و معاونین رهبر بزرگ بشمار میرفتند طبری و ابن اثیر اینان را «اصحاب السته» نامیده‌اند.

در مجانس مشورتی غیر از این شش تن که بجای قوه مجریه بودند اشخاص دیگر نیز شرکت می‌جستند. طبری دریکجا یکی از شرکت کنندگان در مجلس ۱ بنام ابو یعقوب ملقب به جربان یاد کرده است.<sup>۳</sup>

### یکی از نمونه‌های کار تبلیغی رهبر زنگیان :

طبری و ابن اثیر یکی از نمونه‌های کار تبلیغی رهبر زنگیان را نقل کرده مینویسنده: «ریحان غلام گوید: من از طرف مالک و مولای خود و کیل بودم که آرد برای سایر بندگان و کارگران شور جیبن ببرم ناگاه باران صاحب الزنج بمن برخوردند و مرا نزد او بردن و گفتند بخلافت او

۱- طبری ج ۸ ص ۱۱۱.

۲- معجم الادباء ج ۱۸ ص ۱۴۵.

۳- طبری ج ۷ ص ۵۴۵ و ۵۵۲.

سلام ده! من سلام دادم. صاحب از نزج اخبار و حوادث بصره را از من پرسید.  
اظهار بی اطلاعی کردم در باره بندگانی که در شیره کش خانه ها کار میکردند  
وزندگی سخت آنها پرسش و پی جویی کرد. من هرچه میدانستم گفتم او  
مرا بمرام و عقیده خود دعوت نمود. من اجابت و قبول کردم بمن گفت:  
تابتوانی بعضی از بندگان را روشن کن و با خود نزد من بیار. آنگاه مرا سوگند  
داد پنهانکاری کنم و جای او بکسی نشان ندهم و خود نزد او باز ببایم و  
مطیع باشم سپس آزادم کرد من هم روز بعد باز گشتم و دیدم که عده ای از  
بندگان شیره کش خانه نزد او هستند! <sup>۱</sup>

#### طرح نقشه و آغاز جنبش :

در رمضان سال ۲۵۵ هجری رهبر زنگیان و شش تن دیگر (اصحاب  
السته) در کاخی بنام «قصر قربیشی» در سرزمینی بنام «برنخل» در اطراف  
بصره گرد آمدند و تشکیل جلسه دادند و روز چهارشنبه ۲۶ رمضان ۲۵۵  
را برای آغاز جنبش تعیین نمودند<sup>۲</sup> و سحرگاه روز شنبه ۲۸ همان ماه  
نخستین پرچم خود را که با رنگ سرخ و سبز نام رهبر خود و آیتی از قرآن  
مجید بروی آن نوشته بودند برافراشتند<sup>۳</sup>.

رفیق یکی از سران ششگانه بشهر بصره میرفت و با سران بردگان  
تعامس میگرفت و مشیل که از بردگان (دباسیان) بود در این هنگام بدرو  
گراییده بجهنش پیوست.

#### گردآوری نیرو :

طبری گوید: ۱- بامداد شنبه ۵۰ تن از بردگان شورگی که بندگی

۱- طبری، ج ۷ ص ۵۵۶ (چاپ مصر، ۱۹۳۷ میلادی). ابن اثیر ج

ص ۷۳.

۲- طبری، ص ۱۴۴.

۳- طبری، ج ۷- ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۳۱۵.

عطار نامی میکردن بجنبش پیوسته کارگزار ارباب را دست بسته آوردند.

- سپس بزمینهای سنایی در آمده پانصد تن برده را آزادو کارگزار او را دست بسته برداشت «ابوحیدی» از میان این برداگان بیرون آمده است.

- سپس به منطقه سیرافی رفتند یکصد و پنجاه برده او را آزاد ساختند.

- و سپس بسرزمین این عطا رفته ۸۰ برده را که راشدمغربی و راشد قرماطی در میان ایشان بودند آزاد ساختند.

- سپس بسرزمین اسماعیل در آمدند و همچنین از دیهی بدیهه دیگر میرفتند تا سپاه بزرگی از سیاه پوستان فراهم آورند :  
- زنگیان پس از برگزاری نماز عصر بطرف دجله کارون شتافتند و در آنجا کشته های سعاد را دیدند که با مد دریا بداخل نهر میروند، زنگیان سوار آنها شده از آب گذشتند از آنجا به نهر میمون رسیده در مسجدی که در کنار نهر بود موضع گرفتند و تا روز عید غطر اول شوال ۲۵۵ در آنجا بگردآوری نیرو اشتغال داشتند .

### جشن عید فطر : ۲۵۵

- با مداد زنگیان برای برگزاری نماز عید گرد آمدند، پرچم خود را برافراشت و پس از نماز هبر ایشان به سخنرانی پرداخت . وی از موضع بد زندگی گذشته یاد کرد و برای بدست آوردن حقوق ایشان را به مبارزه دعوت کرد، سپس مترجمان ، سخنرانیها را ب زبانهای گوناگون ترجمه کردند<sup>۱</sup> .

### شورشیان زنگی بگروه بندی میبردازند :

- شورش تمام بخش سفلای عراق و خوزستان را در بر گرفت . همه

<sup>۱</sup> - طبری ، ج ۷ ص ۵۶۷

جا دسته‌های بردگان که در اردوگاههای کار اجباری کار میکردند دست از کار کشیده ارباب یا وکیل او را به زنجیر کشیده و بطرف نهر بزرگ «ابوخصیب» سرازیر شدند، هنوز دردها اول شوال ۲۵۵ بودند که فرونی وابوهی زنگیان رهبر آنرا وادار به گروه بنده نمود. مورخان در چند مورد از سازمان دادن و گروه بنده ارتضی زنگی یاد کرده‌اند: از آنجمله در دوم شوال ۲۵۵ - در نهر «بور» رهبر دستور داد که هر کدام از سران زنگی که سبب آزادی زنگی یا گروهی از زنگیان شود را باشان را بجنیش به پیوندد در ابواب جمعی او باقی ماند<sup>۱</sup> و برخی این سازمان بنده را پس از جنک «خول» و حمله بطرف «قندل» نوشته‌اند.

اربابان میخواهند از راه مذاکره با رهبران، جنبش را فرونشانند:

۹ - در چند جا از تاریخ طبری و ابن اثیر بر می‌آید که اربابان چون خود را اسیر پنجه خونین انقلاب توده‌های برد دیدند از راه حیله در آمدند و با سران جنبش بمذاکره پرداخته‌اند.

I - وقتی در آغاز کار بردگان قیام کرده اربابان را کت بسته بند رهبر خود بر دنداشان حاضر شدند مالی گرد آورده بدو بدنه ندو بردگان خود را بازستانند،<sup>۲</sup> در این وقت رهبر زنگی بر آشافت و دستور داد هر یک از اربابان را پانصد تازیانه زدند.

II - رمیس از طرف اربابان بوسیله شبل بر هر زنگی پیغام داده حاضر شدند برای هر سر برده پنج دینار باو بدنه و همه را بگیرند.<sup>۳</sup>

III - نیز رمیس پس از حمله زنگیان بدیه جعفریه از او خواست در

۱ - طبری، ج ۷ ص ۵۴۷ .

۲ - طبری، ج ۷ ص ۵۴۷ .

۳ - طبری، ج ۷ ص ۵۵۰ .

هر ابر هر برده پنج دینار گرفته از این کار دست بردارد<sup>۱</sup> طبری گوید  
چون رهبر بزرگ از پیشنهاد رمیس آگاهی یافت سوگند یاد کرد که : شکم  
زن رمیس را بدرد و خانه اش را بسوزاند<sup>۲</sup> . خواجهگان و اربابان سودجو  
و خود پرسست هنوز درگ نمیکردند، این رهبر نیست که زنگیان را بجنیش  
در آورده، بلکه در نج و فشار است که ایشان رامتحد و بمبارزه برانگیخته است.

### قیام پانزده سال طول کشید :

بردگان زنگی که توده اصلی قیام را تشکیل میدادند (بقولی تعداد  
شان پانصد هزار نفر بود) پانزده سال سایه نکتبار حکومت عباسی را از  
سر خود دور ساختند و همه خواجهگان خود و بخشی از رجال خلافت را  
 بشکنجه تمام هلاک کردند<sup>۳</sup> .

«هر کس مالدار بود نخست مال اول او بگرفتند و سپس اورابکشتند»<sup>۴</sup>  
ولی سرانجام با همه مشقت و رنجها که تحمل نمودند و با دهها و شاید  
صدها هزار کشته که دادند، در اثر عدم رهبری صحیح و نبود نقشه منظم و  
تاکتیک درست و نداشتن هدف روشن، شکست خورده تارو مارشدند. البته  
شکست نظامی این جنبش را نباید شکست قطعی ایده او لوژی دانست  
این جنبش در تشکیلات اجتماعی و مخصوصاً در حقوق و فقه مذهب تسنن  
(که در آن زمان مذهب طبقه حاکمه بود) نتایج بسیار بجاگذارده است ،  
بطوریکه فتاوی علماء و فقیهان اهل سنت راجع به حقوق بردگان و  
مالکیت ایشان که قبل از این جنبش و پس از آن ناسازگاریهای فراوان دارد  
اساساً دگرگون شده است . مع ذلك برده داری کاملاً معدهم نشد ، بلکه

۱- طبری، ج ۷ ص ۵۵۲.

۲- خواجه نظام الملک ، سیر الملوك ، باهتمام هیبودارک ، تجارب  
السلف .

۳- ابن اثیر، ج ۷ ص ۹۷ .

در نواحی متعددی، بردگی بصورت شیوهٔ فرعی زندگی محفوظ و باقی ماند. هنوز خلفاً، امرای مالک واشراف زمیندار بردگان پسیار داشتند که، نه تنها بکارهای غیر تولیدی می‌پرداختند و همچون خدمه‌خانه و حرم مورد استفاده قرار می‌گرفتند، بلکه در تولیدات نیز بکار گمارده می‌شدند: شروانشاه در پایان قرن دهم (میلادی) ۵ هزار برد و یا نیمه برد را در اراضی خود مستقر کرده و اداره کشاورزی‌شان می‌کرد.<sup>۱</sup>

محمد بن مسافر بنیادگار سلسله سalarیان و صاحب قلعه سمیران در سرزمین دیلم (قرن دهم میلادی) ۵۰۰۰ نفر را بکومک فزیب و از طریق عنف و تجاوز آشکار به بندگی در آورده در کارگاه‌های خویش بکار تولید یدی و امی داشت.<sup>۲</sup> حتی قرمطیان که علیه تجمل پرستی و آزمندی قشرهای مسلط و بر ضد نا برابر اجتماعی تبلیغ می‌کردند و مخالف وجود املاک خصوصی بزرگ بودند بینه را از برای سود مادیش برای اجتماع (و نه برای اشخاص) لازم می‌دانستند، فی المثل در لحسا - پایتخت قرامطه - هزاران برد در امور تولیدی شرکت داشتند و در مزارع و باغ‌های واقع در واحدهای مجاور به کشت اشتغال می‌ورزیدند. در این باره ناصر خسرو شاعر، حکیم و جهانگرد نامی مسلمان که اواسط قرن از لحسا دیدن کرد آگاهیهای جالبی داده می‌نویسد: سلطان (حکومت و قدرت دولتی)، رادر آن وقت سی هزار بینه در مخریده زنگی و حبسی بود و کشاورزی و باغبانی می‌کردند و از رعیت عشرچیزی نخواستند و اگر کسی در ویش شدی یا صاحب قرض او را تعهد کردنی تا کارش نیکو شدی و اگر زری کسی را بر دیگری بودی بیش از مایه اطلب نکردندی و هر غریب که بدان

۱- حدودالعالم. بامقدمه بار تولد، وحوشی و تعلیقات میورسکی، کابل،

۱۳۴۲.

۲- سفرنامه ابوالدولف، ترجمه ابوالفضل طباطبائی چاپ تهران، ۱۳۴۲،

ص ۶۹.

شهر افتاد و صنعتی داند چندانکه کفاف او باشد مایه بدادندی که تا او اسباب و آلتی که در صنعت او بکار آید بخریدی و بمراد خود زر ایشان که همان قدرستده بودی باز دادی و اگر کسی از خداوندان ملک و آسیاب را ملکی خراب شدی و قوت آبادان کردن نداشتی سلطان غلامان خودرا نامزد کردنده که بشدنده و آن ملک و آسیاب آبادان کردنده<sup>۱</sup> .

در پایان شاهنشاهی غزنوی و آغاز عصر دو دمان سلجوقی متعاقب تکامل مالکیت فتووالی و سلسله مرائب فتووالی کاربردگان کم سودتر و غیر ضروری تر گشت و رفته خود بالاخلافشان بصورت بنده حرو بعدها بصورت رعیت در آمدند و برده گی تولیدی در جامعه فتووالی ایران تقریباً طریق زوال سپرد و معدوم گشت. ولی برادر ایلغار واستیلای مغول برده گی بمعابه بقا بای یک نظام کهن و منسخ باردیگر و نقی شگرف بافت و خرید و فروش بنده یکی از رشته های مهم بازرگانی شد . «از کار بنده گان در پیشه ها و کشاورزی استفاده میشد. در شخم زمین و باغبانی و امور آبیاری نیروی بنده نیروی رایگان بوده. نه تنها زمین داران و مالکان بزرگ بله که سران ده نیز بنده گانی داشتند و از ایشان در شخم و شبانی دامها و کارهای باغبانی وغیره همچون نیروی کار رایگان استفاده میکردند... بخصوص صحرانشینان در دامداری از کار غلامان بسیار استفاده کردنده<sup>۲</sup> . از مکاتبات رشیدی نیز پیداست که از کاربردگان بیمیزان وسیعی در اراضی زراعی و در دامداری چادرنشینان و در تنظیم و تنسيق آبیاری بهره بری میشده است. رشید الدین خود هزاران برده کشتکار و پیشهور در اختیار داشته است و گذشته از غلامانی که طبق وصیت نامه وقف اماکن خیریه ربع رشیدی در تبریز کرده بود به فرزندان ذکور خویش ۵۰۰ غلام و اناث ۴۰۰ کنیز

۱- سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۱۴ ، به کوشش دکتر نادر وزین .

۲- پتروشفسکی ، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران، ج ۲ ص ۱۴۶

بخشید، در نامه‌ای که رشیدالدین به مجددالدین فرزند خود نوشته می‌گوید که ۱۰۰۰ بندۀ بنام باع فتح‌آباد و ۲۰ بندۀ جزو جمع باع رشید‌آباد ثبت گردد وی در نامه دیگری بنام فرزند خود جلال‌الدین حاکم روم مبنویست که در مجاورت رباع- رشیدی : « پنج قریه . . . احداث کرده‌ایم و در هر قریه از آن قرایا نوعی از غلامان (مقصود از یک نژاد است) متوطن گردانیده‌ایم تا بغرس واشجار و حفر گنوایات و آنها را . . . قیام نمایند ». <sup>۱</sup> اشراف فتووال مغول و اشراف ایرانی نما (اشرافی که بخدمت فاتحان کمریستند) از نجع بردگان صنعتگر نیز بهره‌کشی می‌کردند. وضع بردگان صنعتکار که در کارخانه‌های دولتی اسلحه والبسه و لوازم لشکریان را تهییه می‌کردند بسیار سخت بود کارخانها ملک خزانه ایلخان یا شاهزاد گان گوناگون بودند و صنعتکارانی که در این مؤسسات کار می‌کردند پشت در پشت برده شمرده می‌شدند.<sup>۲</sup>

در شهرهای فتووالی بردگان در زمرة تولید کنندگان شهرها هستند که اختیار کالا و ابراز تولید و حتی اختیار جان خود را ندارند! ناگزیر از آن هستند نیاز فاتحان قدرتمند را برآورند و دستمایه و دست ساخت خود را در اختیار آنان گذارند.

خلاصه در جامعه‌ای که دیری بار سوم فتووالی زیسته و دوران تعالی آن را پیموده است بردگان در کشاورزی و اقتصاد روستایی کشور نقش بزرگی دارند. ناچارند در اراضی و شبکه آبیاری بیگاری کنند و بیدریغ بهره دهند. معادم است در چنین شرایطی کشاورزی و صنعت دستخوش بحران می‌گردد و مانعی جدی بر سر راه تکامل و پیشرفت نیروهای تولیدی روستا و شهر پدید می‌آورد.

۱- همان کتاب، ص ۱۴۹.

۲- تاریخ ایران، نوشته پنج تن از محققان شوروی، ج ۲ ص ۳۹۷ و ۳۷۹.

## ۲۶

تبرستان

### فقدان شهرهای ممتاز و تسلط نظامیان زمیندار و امرای مالک ...

www.tabarestan...

شهرهای ممتاز یا شهرهای امتیازدار Privileged به نواحی و شهرهایی اطلاق میشود که در زمان قرون وسطی در راه آزاد شدن از وابستگی به سینیورها و تحصیل خود مختاری کوشش کردند و بتدریج برای خود حقوق ویژه‌ای بدست آورده و فرمان شاهان و امرای فتووال ارزایی معینی برخوردار بودند (قرن ۱۱ و ۱۰ م.ق.). این مناطق و شهرهای که در درون آن بورژوازی کم کم دارای اختیارات وسیعی میشد، رفته رفته بصورت پایگاههایی علیه سیادت امرا و اشراف فتووال درآمد و در بسیاری از کشورهای اروپایی یکی از عوامل جدی تقویت مرکزیت دولتی و سلطنت مطلقه گردید (قرن ۱۵ و ۱۶)، بدین معنی که نفع و صرفه طبقات شهرهای ممتاز، «برقراری حکومت قانون و تحقق وحدت سیاسی و فراهم آمدن موجبات رونق سوداگری و بازرگانی بود تا از این طریق نوختگان آن طبقه که نه از تبرک روحانی بهره داشتند و نه از قدمت تبار در جامعه، منزلتی و امنیتی پیدا کنند.<sup>۱</sup> از این رو در این کشورها، طبقات متوسط

۱- دکتر حمید عنایت، بنیان فلسفه سیاسی در غرب، چاپ دوم، ص ۱۷۵

شهرنشین به همدمستی حکام با قدرت اقدامات حادی علیه فئودال‌ها و زمین‌داران بزرگ که هوادار عدم تمرکز و پراکندگی قدرت بودندو ایمنی اجتماعی و امنیت طرق را به خطر می‌انداختند، بعمل آوردن تو تقریباً اعتبار عادات محلی و مجالس شورای محلی را از میان برداشت و با تمرکز امور اداری و دادرسی و تدوین قوانین یکسان مبانی حکومت مطلقه را استوار ساختند. ولی این وضع جندان نپائید و سوداگران و سرمایه‌داران شهرنشین که در پرتو تکامل نیروهای تولیدی قوام و قوت یافته‌ند و مهر خود را بر اقتصاد و فرهنگ جامعه بازنهاشند، دیگر به قیوموت قدرتهای گوناگون اجتماعی نیازی نداشتند. یوغ حکومت مطلقه سلطنتی که بجهت ماهیت خود تغییر بستر داده و بصورت تکیه‌گاه قصرهای صاحب امتیاز کهن در آمده بود بر رقاب بورژوازی که خواهان انتقال قدرتهای حکومتی به خود بود سنگینی می‌کرد و بورژوازی برای خردکردن پوغ و رسیدن به قدرت سیاسی از قاطعیت و روح انقلابی، رنجبران ده و شهر استفاده کرد و ساخت اقتصادی دیرینه را درهم شکست. بدین ترتیب، وجود خود مختاری در بخش‌های تولیدی صنایع دستی، تسلط اصناف و بازار گانان بر شهربان و تضاد خصم‌مانه میان زیر ساخت اجتماعی-اقتصادی در شهر روسنا مقدمات تکامل نیرو-های تولیدی را فراهم کرده موجب تغییرات عمیقی و اساسی در بنیادها و نهادهای سوسیو-اکonomیک گشته است. اما در ایران بسبب فرو دستی اصناف و بازار گانان و فقدان شهرهای آزاد و امتیازدار وبالنتیجه رشد نیافتن تضاد خصم‌مانه میان دونظام متمایز و متفاوت شهر روسنا، نیروهای تولیدی از تکامل باز ایستادند و قشرهای بهم پیوسته و منشکل پیشه‌ور و صنعتگر و سوداگر که بتوانند به امید بهبود اجتماعی بذر بارهای بزرگ دست اتحاد دهند و زمرة‌های کهن را براندازند و یا در تنگنا اندازند، بوجود

نیامدند. در غالب ادوار فتووالیسم در ایران، در بارهای بزرگ و فتووالهای بزرگ برغم هم‌ستیزی بر سر شکل مالکیت زمینداری و دارا بودن منافع متضاد اقتصادی و اجتماعی در اعمال سیاست مرتجلانه بر ضد گردانندگان اقتصاد شهرها وحدت نظر و اشتراک مساعی داشته‌اند. شهر تحت سیطره این هردو گروه‌دار ای محیط مختنقی است و اصناف شهری که اسلام بورژوازی بشمار آند و قشراهای پیشو و فرابین جامعه ایستای فتووالی‌اند و می‌بایست پا به میدان تاریخ - آفرینی گذارند از استقلال و خودنمختاری بی بهره‌اند. اینک برای اینکه مسائلی که فوقاً مطرح شده است کاملاً روش گردد موقعیت اجتماعی نیروهای مولده جدید را در ادوار و مراحل گوناگون فتووالیسم مورد مطالعه قرار میدهیم و با دادن نمونه‌ها و آوردن امثله و شواهدی چگونگی رابطه آنها را با طبقات کهن مشخص می‌کنیم.

#### موقعیت نیروهای مولده جدید در جامعه ساسانی:

به تصریح نامه تنسر<sup>۱</sup> نیروهای مولده جدید در جامعه ساسانی از سوی طبقات کهن اجتماعی (موبدان، بزرگان و زمینداران) در تنگنا بودند و از ادبیهای بسیار ناچیز در چهار چوب مهنه یا طبقه پست اجتماعی برخوردار بودند. مردمان شهر از بازارگان و پیشه‌ور و صنعتگر، مجبور بودند مالیات - .<sup>۲</sup> هنگفتی بپردازند که آن را گزیریت یا سرگزیریت می‌خوانند. از اصناف و بازارگان، گذشته از مالیات سرانه، با جهای گوناگون دیگری هم می‌گرفتند. از آنجمله هدیه و پیشکش‌های نوروز و مهرگان مانندیک با جهمیشگی، به زور گرفته می‌شدند.<sup>۳</sup>

۱- نامه تنسر، بااهتمام محتبی مینوی، تهران ۱۳۱۱-ص ۱۹ و ۲۰.

۲- کریستنسن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۱۴.

موبدان و معبد آرایان هم، بعنوانی مختلف برایهای نوین اجتماعی ساخت می‌گرفتند و ایشان را تحت زحمت و فشار می‌گذاشتند. اصولاً پیشه‌وران به سبب اعمال روزانه خویش و تصادم و اصطکاک دائم با قوانین و مقرراتی که در آیین زردشت راجع به اجتناب از آتش و خاک و آب وجود داشت در نظر مزدیستان، بویژه موبدان و روحانیون زردشتی - بی مبالغ و حتی سست اعتقاد بنظر می‌آمدند. اینگونه زورگوییها و کوچک شماریها بوده که راه را برای ورود و پیشرفت جنبش رهایی بخش اسلام هموار کرده است.

#### موقعیت نیروهای مولده جدید در دوره اسلامی :

«پیامبر اسلام پیشوایی بود با فرهای ایزدی و تاریخ آفرین. زمان حیاتش دوره طلایی اسلام بود. دوره‌بی انقلابی، بدون سازمان اداری، دوره‌ی برادری و برابری.»<sup>۱</sup> یکچندی پس از درگذشت پیامبر اسلام، سران جنگجوی قبایل و بخشی از کبار صحابه که بر اراضی وسیعی دست انداده، مال و خواسته‌های فراوان اندوخته بودند برای است اتحاد یافته‌اند: اندیشه‌های بشردوستانه پیامبر و افکار ضد استثماری قرآن را دگرگونه و انمودند و بر ضد حضرت علی(ع) که مظہر و محور جناح مترقبی جامعه، بود شوریدند و بکشتنش دادند و سلسله اموی را پایه نهادند. حاکمیتی که امویان اعمال می‌کردند اساساً مختصات عربی داشت، این حاکمیت که جنبه اسلامی خود را ازدست داده و رنگ ارتقای بخودگرفته بود، ادامه و تعمیم همان قدرت شیوخ و سادات قبایل عرب جاهلی بود. چون امویان به قشر محدودی (اشراف قبایل عرب) تکیه داشتند خویشتن را از مساعدت عامه خلق و پشتیبانی گروههای ممتاز عجم مخصوصاً اعیان زمین دار ایرانی محروم

۱- احمد اشرف، نظام فنودالی یا نظام آسیایی، ص ۵۶.

ساختند و جارا برای پیروزی عباسیان بازگذاشتند. دولت جدید عباسی که نمیتوانست به اشراف و سران قبایل عرب تکیه کند، نیاز مبرم به تکیه‌گاه جدید داشت. باین جهت عباسیان از ذوق و کفايت اقوام غیر عرب در زمینه های گوناگون سیاسی و اداری استفاده کردند و مخصوصاً بسیاری از سنن و رسوم کشورداری ساسانیان را پذیرفته و مقامات و مناصب عالی حکومتی را بدلو قشر عده زمان ساسانیان - یعنی دیران و دهگانان - تفویض نمودند، گرچه در دوران خلفا در سازمان اجتماعی - اقتصادی دگرگونیهای مهمی صورت نگرفته ولی چون بعض موانع سیاسی، اجتماعی و دینی که در زمان ساسانیان در راه ترقی و پیشرفت اقتصاد شهری وجود داشت از میان برداشته شده بود، نقش اقتصادی شهرها همواره فزو نتر می شد و اهمیت بیشتری می یافت. پیشه های نو به نو پدید آمد و شماره کسانی که بکار صنعت و ساختمان و اموری غیر از کشاورزی اشتغال داشتند، رو به افزایش نهاد و از این رهگذر شهرهای تازه بزرگ و کوچک پدید آمد. در شهرهای بزرگ که جنبه تجاری داشت، کارگران محله علیحده داشتند و در آن محله انواع و اقسام کارخانه های دستی وجود داشت که مواد اولیه را تبدیل به کالای تجارتی می کرد. گفتنی است زندانیان برخی شهرها نیز در داخل زندانها دارای کارگاه هایی بودند که محصولاتی تولید می کردند و بکشورها و سرمینهای دیگر فرستاده می شد از جمله زندانیان بخارا تنگ اسب می بافتند که در خود شهر و سراسر مأموراه النهر و سایر کشورها شهرت بسزا داشته است.<sup>۱</sup> از حرفة ها، صنعت نساجی مقام رهبری را داشت. این صنعت بخصوص در قرون دوم و سوم و چهارم بطور محسوسی ترقی کرد و کارخانه های نختایی و رنگرزی و بارچه بافی، و کارگاه های در زیگری و

۱- مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۲۲۴ (چاپ لیدن ۱۹۰۶ میلادی)

قیطان بافی و تکمدهسازی و گلابتون دوزی و نقده و نوارسازی افزایش شکرف یافت. فرآوردهایی که از این کارگاهها بدست میآمد، گذشته از اینکه نیاز بازار داخلی را برمی آورده است، مقداری از آن فرآوردها نیز به محالک خارجی مخصوصاً به اروپا، روسیه، هند، چین و آنام فرستاده میشده است.

«از زرند کرمان پارچه‌های زرتدی که معروف به لایه‌دار است

فرآورده میشود که تامصر و بیابانهای مغرب میبرند.»<sup>۱</sup>

«از کومش دامغان روپوشهایی بدست میآید که به همه‌جا برده میشود و در همه روی زمین پراکنده است.»<sup>۲</sup>

«در نیشاپور انواع پارچه‌های ابریشمی و پارچه‌های گرانبهای پنبه‌ای و کڑی برمی خیزد که از آنها به همه کشورهای اسلام و سرزمین کافران میبرند.»<sup>۳</sup>

«از اصفهان آنقدر عتابی و پارچه‌های نقشدار دیگر و ابریشمین و پنبه‌ای بدست می‌آید که به همه عراق و فارس و خراسان برده میشود.»<sup>۴</sup>

«در دارابگرد پارچه‌هایی به دست می‌آید که مانند طبری است. از کازرون پارچه کتانی برمی خیزد که از آن به همه‌جای جهان میبرند.»<sup>۵</sup>

«در بصرنا پرده‌هایی میبافندهایی که به همه‌جا برده میشود و بر روی آنها نگاشته است ساخت بصنایع - و نیز از رامهرمز پارچه‌های ابریشمین که به همه‌جا فرستاده میشود.»<sup>۶</sup>

در بخارا کارگاهی بوده است میان حصار و شهرستان نزدیک «مسجد

۱- ابن حوقل، صورۃ الارض، ص ۲۷۲ (چاپ بیروت) ۱۹۰۶ میلادی

۲- همان کتاب، ص ۲۶۹.

۳- همان کتاب در گفتار خراسان.

۴- استخری، المسالک والمسالک، ص ۱۱۷ (چاپ قاهره)

۵- منبع اخیر، ص ۹۳.

۶- منبع اخیر، ص ۱۵.

جامع که در روی بساط (گلیم، نوعی قالی، فرش) و شادروانها می بافتند و بر دیها وبالشها و مصلیها و بر دیها فندقی را از جمیع خلیفه بافتند که بیکی شادروان (پرده، سراپرده که در پیش ایوان سلاطین میکشیده اند، ساییان، فرش منقش) خراج بخارا صرف شدی واز بغداد هرسال عاملی علیحده بیامده و هرچه خراج بخارا بوده از این جامعه ها عوض برده واز ولایتها بازرگانان بیامدی چنانکه مردم زندنیچی می برنند از آن جامعه بردنند تابشام ومصر و در شهرستان روم <sup>۱</sup> ...

پیدایش پدیده های نوین اقتصادی، پیشرفت و ترقی فراوان تولیدات پیشه وری و بسط نیر و مند روابط بازرگانی به انجمن های صنفی متکی بود که منابع موجود بوجود آن ها گواهی میدهند. مخصوصاً در شهرهای بزرگ و مهم بازرگانان، حقوق و امتیازاتی یافتندو اصنافی بوجود آوردن. پیشه دران و افزارمندان نیز تشكیلات و انجمن هایی داشتند و خود خواسته رؤسای خود را انتخاب میکردند.

ولی باهمه اینها، انجمن های اصناف در ایران مانند اتحادیه های صنفی اروپای قرون وسطی قدرت اجتماعی نیافتند و نتوانستند نظمات خاصی برای خود مقرر کنند واز زیر قیومیت کامل اشراف صاحب زمین و کارگزاران اداری بیرون روند. زمامداران و اشراف و امراء فشودال بنظر خود برپیشه وران و سوداگران مالیات می بستند و با انجمن های صنفی مشورت نمیکردند و آنها را بحساب نمیآوردند. مالیاتها عبارت بوده است از :

- ۱- «مال الجماجم». مالیات سرانه بر قشرهای نوین اجتماعی (پیشه وران، سوداگران و کارگران) را «مال الجماجم» می خوانده اند.
- ۲- مکس (مالیات گمرکی)، که در مرزها و گذرگاهها مأمور مأمور خود

۱- تاریخ بخارا ص ۲۴.

میگردد و نیز یک گونه از آن در برخی راههای درونی گرفته میشده است. میتوان بر آن نام راهداری نهاد. مقدسی بزرگترین جغرافی نویس قرون وسطی که در نیمه دوم سده چهارم هجری کتاب خود را نوشته است میگوید: «اما مکس سنگین و سختست در رودها و خشکیها. در بصره بازرسی سختی میکنند و سیخ زدن به بارها رواج دارد و نیز در بطایح (مردابها) کالا ارزیابی میشود و بازرسی. قرمطیان نیز در دروازه بصره با جگاهی دارند و دیلمیان با جگاه دیگری! تا آنجا که از یک گوسفند چهار درهم میستانند و این راه و بارهای پوست ایشان باج میگیرند و از اشتaran عربی. همچنین در کوفه و بغداد از حاجیان از هر کجا و شصت درهم میگیرند و از هر بار پارچه یکصد درهم و از هر عماری یکصد و پنجاه درهم در بصره و کوفه». <sup>۱</sup> در زمینه راهداری ابن مسکویه روایتی دارد که ذیلا می‌آوریم: «هارون غریب الحال پاسخ داد: مردانی به من پیوسته‌اند که مالیات عمل کرد من کفاف ایشان را نمی‌دهد. ابو جعفر بازگشت و سخن او را به «الراضی» رسانید و در حضور ابو علی (بن مقله) و ابوبکر محمد بن یاقوت. پس باو نوبت دادند افزون بر آنچه بدست اوست، راهداری شاهراه خراسان را به او سپارند و آنچه از آن بابت دریافت میکنند، نیز از آن او باشد». <sup>۲</sup>

۳- علاوه بر مالیات‌های ثابت، گاهی در جاهایی که بازارگانی رونق بسیار میداشته از فروشنده‌گان و بازارگانان خرد و متوسط مالیات «فوق العاده» ای گرفته میشده، که آنرا دهیک (عشور) میخوانده‌اند. از گزارش صابی مستفاد میشود که این مالیات در هر زمان باراده صاحبان قدرت وضع و یا لغو میشده

۱- مقدسی، احسن التقاصیم فی معرفة الاقالیم، ص ۱۰۵ (چاپ لیدن، ۱۹۰۶ میلادی)

۲- ابن مسکویه، تجارب الامم، ص ۳۰۷ (چاپ اروپا)

است. صابی مینویسد «ابونصر شاپور قصد کرد بر هر پارچه ابریشمین و پنبه‌ای که در بغداد فرا می‌آورند عشور وضع کند. اهل عتابی و دروازه شام شورش کردند و روز آدینه دهم ماه به مسجد جامع روآوردند واز گزاردن نماز و خواندن خطبه مانع شدند وزاری میکردند و به همین‌گونه به بازارها روآوردند. چون روز سه شنبه شد به مخانه ابونصر شاپور ... آمدند و ... در «دارالحمولی» بسوی مستوفیان و دیوانیان رفتند و آنان از جلو ایشان گریختند پس در «دارالحمولی» آتش افکندند که ... بکلی بسوخت. پس ابو حرب شیردل (شیرزیل) بنام ناظرالبلد وارد شد و گروهی از کسانی را که شوریده بودند گرفت و به آتش زدن متهم کرد و چهار تن را در دربند «دارالحمولی» به دارآویخت. سپس قرار براین شد که تنها از پارچه‌های ابریشمی دهیک گرفته شود و براین معنی در جانب غربی جارکشیدند روز یکشنبه چهارم ربیع اول ... و دریافت‌کنندگان و ناظرانی برای آن معین کردند. دیوان ویژه‌ای در «دارالبرکه» برای نگهداری حساب بنیاد گزاردن و مهرها ساختند و بر هر بافت‌های ابریشمی که بریده و فروخته میشد، هر میز دند. این روش تا واپسین روز گارابی علی‌عمیدالجیوش بازماند و او آنرا برانداخت.<sup>۱</sup>

ذکر این نکته در اینجا لازم است که پس از خلبه عنصر ترک بویژه پس از آمدن ترکان غزنی و ترکمانان سلجوقی سنگینی بار مالیات‌ها افزایش یافت و روزگار مردم زحمتکش شهرها سخت‌تر و تحمل ناپذیرتر گشت. سلطان محمود با پشت‌کار واستمرار خارق العاده‌ای باین اصل فتوvalی که گردانندگان اقتصاد شهرها و تولیدکنندگان روستاه‌ها فقط موضوع خراج میباشند معتقد بود و آنرا بکار می‌بست.

۱- هلال بن محسن صابی: تاریخ صابی، ج ۸ ص ۴، حوادث سال ۳۸۹ هجری. (چاپ مصر)

بیهقی نقل میکند که محمود مردم بلخ را نکوهیده است که چرا در غیاب وی برای دفع خطر لشکریان قراختاییان اقدام کرده‌اند: «مردمان رعیت را با جنگ کردن چه کار باشد؟ لاجرم شهرستان ویران شد و مستغلی بدين بزرگی، از بن‌بسوختند: توان از شما حواسه‌آید. ما از آن در گذشتیم. نگرید تا پس از این چنین مکنید، که هر پادشاهی، که قوی تر باشد و از شما خراج خواهد و شمارا نگاه دارد خراج بباید داد و خود را نگاه داشت...» بدین طریق غازی اسلام (لقب محمود) مردم را مانند نیرویی که مالیات باید بپردازد مینگریست. و بر اساس چنین دیدی بود که وقتی صنف نانوایان کوشید در شهر غزنین قیمت جدید برای نان وضع کند سلطان محمود بفرمود که تا رئیس صنف خبازان را بیاورند و در زیر پای پیل افکنند چون بمرد برندان پیل ببستند و در شهر بگردانید!»

به قاعده‌ی «الناس علی دین ملوکهم» امر او سرداران (نظم ایان ز میندار) و دربار ایان نیز بر لایه‌های نوبن اجتماعی سخت میگرفتند و ایشان را تحت زحمت و فشار میگذاشتند روزی بازار گانی بمظالم گاه محمود آمد و از پرسش مسعود تظلم کرد و بنالید و گفت: «مردی بازار گانم و مدتی در ازاست تا اینجا آمده‌ام و می‌خواهم که بشهر خویش روم و نمیتوانم رفت که پسرت بشصت هزار دینار کالا از من بخریده است و بها نمیدهد. خواهم که امیر مسعود را با من بقاضی فرستی». سلطان محمود متوجه شد که داد از پسر بیدادگر بستاند و انصاف بدهد، سلطان محمودی که خود رهسپر مشی پسر بود و بقول مؤلف الفی:

«چون... عراق عجم را بتصرف خود درآورد از اهالی آن ولايت بهر که گمان زرداشت، ازوی زرها گرفت و مردم را ببهانه‌ای دروغ مجرم می‌ساخت وزرها از ایشان میگرفت. چنانکه با تفاق اهل تواریخ نوشتند که: سلطان محمود غیر از این عیبی نداشت که: مردم را زر نمی‌توانست

دید و این خصلت معتاد او شده بود، چنانکه منقول است که: وقتی بسمع سلطان محمود رسید که مردی در نیشاپور می‌باشد که زر بسیار دارد و نفایس بی‌شمار، سلطان محمود فرمان به طلب او فرستاد و چون آن مرد بحضور رسید باو خطاب کرد که: ای فلانی بمن چنین رسیده که تو از ملاحده و قرامطه‌ای! آن شخص در جواب گفت: ای پادشاه بالا نصاف!، من هیچ ملعحد و قرمطی نیستم، عیبی که دارم همینست که حق سبحانه و تعالی مرا غنی ساخته و مال فراوان ارزانی داشته، هرچه دارم از من بستان و مرا بدنام مکن، سلطان محمود تمامی اموال اورا گرفت و نشانی در باب حسن عقیدت نوشته باو داد.<sup>۱</sup>

سلطین بعد از محمود و مسعود شیوه بهره‌کشی و سودجویی و بیدادگری غزنوی را دنبال کردند. در برابر بازار گنان خرد و متوسط سیاست زور و خشونت پیش گرفته و پیشه‌وران و دیگر تولیدکنندگان شهرها را دستخوش بی‌رسمی‌ها و درازدستی‌های خود میداشتند.

ابن بلخی مورخ عهد سلجوقی یک نوع از این جور و ستم غارتگرانه را تصویر می‌کند. بگفته وی در کازرون تنها آب کاریز راهبان، خاصیت سپید کردن کتان را داشته و این کاریز در تصرف و ملکیت دولت بود و جواهگان که از آن آب کاریز استفاده می‌کردند، ملزم بودند که تمام بافت‌های خود را در اختیار معتمد دیوان گذارند و در عوض دستمزد نا چیزی می‌گرفتند و آن معتمد بعداً مخصوص ضبط شده را به فروش میرسانید و ثمن حاصله را به دیوان میداد.<sup>۲</sup>

برای آنکه تصویر ملموس‌تری از فضای اجتماعی آن روزگاران

- ۱- تاریخ الفی نسخه خطی منقول از کتاب در «پیرامون تاریخ بیهقی» تالیف مرحوم سعید نفیسی ج ۲ ص ۸۵۱.
- ۲- فارسنامه ابن‌بلخی ص ۱۴۵-۱۴۶ (چاپ کمبریج، ۱۹۳۸ میلادی)

بدست دهیم چند سطر از نامه متفکر نامدار مسلمان امام محمد غزالی را به پادشاه سلجوqi نقل میکنیم: «امروز بحدی رسیده است که عدل یک ساعت عبادت صدسال است بر مردمان طوس رحمتی کن که ظلم بسیار کشیده‌اند و غله پسرما و بی‌آبی خراب شده و تباہ گشته ... روستائیان را چیزی نمانده مگر پوستیینی و مشتی عیال‌گرسنه ویرهنه. اگر رضا دهد که از پشت ایشان پوستین باز کنند تا زمستان پرهنه با فرزندان در تنوری روند رضامده که پوستشان بر کنند و اگر از ایشان چیزی خواهند همگنان بگریزند در میان کوهها هلاکشوند، این پوست باز کردن باشد... بدانکه این داعی پنجاه و سه سال عمر بگذاشته... و بر سر مشهد ابراهیم خلیل صلوוה اللہ علیه عهد کرد که پیش سلطان نرود و مال سلطان نگیر و مناظره و تعصّب نکند.»<sup>۱</sup>

در نامه دیگری که غزالی به سلطان سنجر نوشته چنین می‌خوانیم:

«آمدیم بعرض حاجت، و حاجت دواست: عام و خاص حاجت عام آن است که مردمان طوس پراکنده و سوخته ظلم بسیار شده‌اند ... برایشان رحمت کن تا خدای تعالی بر تو رحمت کند. گردن مسلمان از بار بلا و محنت گرسنگی بشکست. چه باشد اگر گردن ستوران توازن طوق زر فرونشکند. اما حاجت خاص آنست که...»<sup>۲</sup>

از رعایا پوست و پوستین میستانند تا گردن ستوران امیران و زورمندان از سنگینی طوقهای زر و سیم فرونشکند! در چنین شرایط فقدان امنیت انسانی و فقدان مصونیت فردی، هم فلاحت و صناعت و هم تجارت دائم دستخوش بحران است و همین امر، چنانکه یاد کردیم، یکی از علل پس افتادگی این رشته‌ها و بدل نشدن آن‌ها به سرمایه مولده سرمایه داری صنعتی است.

۱- غزالی نامه، تالیف استاد جلال الدین همایی.

۲- همان کتاب، ص ۱۸۴-۱۸۵

## تغییرات ادواری در ترکیب طبقه زمیندار و فقدان اشرافیت ثابت واستوار

۵

در ایران - بخلاف اروپا - بر اثر هجوم بیگانگان، کشمکش‌های سیاسی و بی‌آرامشی و نایمی روزافزون اجتماعی کرار آفتدالان و ملکداران موجود خرد شدند و زمینداران تازه‌ای پدید آمدند. به بیان دیگر، تغییرات ادواری در ترکیب طبقه زمیندار یکی ازویژگی‌های مهم فثودالیسم تاریخ ایران است. بیشتر سلسله‌هایی که در ایران بعد از اسلام قدرت یافتند به نظام فثودالی تعلق نداشتند و متکایشان غالباً زور و قدری بود.

ابن اثیر مینویسد مرداویچ پس از آنکه بحکومت رسید کسی را برای آوردن برادر خود و شمگیر بدیلمان فرستاد. این فرستاده نقل کرده است که «شمگیر را در دیلمان بین عده کسانی که مشغول زراعت برقج بودند مشاهده کردم وقتی که آن جماعت مرا دیدند کم کم دور من جمع شدند آنها مردمانی بودند که کفش بپا نداشتند و نیم برنه بودند و شلوار کوتاهی بپا داشتند که از کنه‌های رنگارنگ ترتیب ماده شده بود و بر تن بسیاری از آنها جامدهای پاره پاره بود وقتی که پیغام مرداویچ را به وشمگیر گفتم واو را آگاه کردم که برادرش بر شهرهای بسیاری دست یافته است، بادهان خویش شیشکی بریش برادرش بست و گفت او لباس سیاه پوشیده

ونوکر سیاه پوشان یعنی خلفای بنی عباس شده است! و چون به قزوین رسیدیم از او خواهش کردم تا لباس سیاه بپوشد او امتناع میکرد ولی پس از کوشش فراوان آن لباس را بپوشید و من از جهل و نادانی او چیزها دارم که از ذکر آنها شرم می‌کنم.»<sup>۱</sup>

همین وشمگیر که بشهادت تاریخ بعداز مردآویج به قدرت رسید عده‌بی از اشراف فتووال را از میان برداشت، املاک وسیعی را تصاحب کرد و خود به زمیندار فتووال بدل گشت!

درقرن چهارم هجری بسیاری از خاندانهای قدیم ایرانی باقی بوده‌اند که علاوه بر دردست داشتن املاک و زمینهای قابل ملاحظه در امور دیوانی و علمی وارد می‌شده و شهرتی بدست می‌آورده‌اند، مثل آل حبیب و آل - مرزبان بن زادبه. همچنین استخری در شمار بیویات (نزادگان و بلندباران) قدیم آل جلندي و آل ابی زهیر و آل حنظله و خاندانهای کرد فارس را اسم برده است.<sup>۲</sup> که متعاقب نفوذ و تسلط غلامان ترک بر امور خاندانهای کهن ایرانی برآفتدند و اراضی آنها ضبط و مصادره گشت، چنانکه آل سبکنکین بتنهایی تمام خاندانهای مشرق از قبیل فریغوریان و خوارزمشاهان و امراءی چغانی وغیره را از میان برداند و بر اراضی ایشان چنگ انداختند و به زمین- داران فتووال ببدل شدند.

ماحصل کلام آنکه پس از فرو افتادن سلسله‌ای و قدرت یافتن سلسله تازه قسمت بسیار بزرگی از اراضی و املاک ملکداران پیشین در اختیار نورسیدگان قرار می‌گرفت ولی دیری در تصرف آستان نبود و در ظرف چند ده سال، با یک هجوم غارتگرانه، بدست اربابان و صاحبان

۱- ابن اثیر، الکامل ج ۷ ص ۸۴.

۲- استخری، ص ۱۴۱ و ص ۱۴۵.

جدید میافتد . بسبب این تغییرات دائمی و مکرر در ایران ما هیچگاه اشرافیت استوار و «ثابتی که مبنای آن بر مالکیت زمین باشد و وسیله انقال املاک اشراف از نسلی به نسل دیگر گردد به منصه ظهور نرسید...»<sup>۱</sup> و نظام زمینداری به قیدهای مربوط به اصالت ونجابت و سلسله مراتب و آداب و افتخارات اشرافی بسته نشد و درنتیجه :

۱- در اروپا در اثر اشتراک‌مساعی اشراف زمیندار ریشه‌دار تاسیسات مذهبی، انواع محاکم، مجلس‌های قانون‌گذاری بوجود آمدند و سدی در برآ برخود کامگی حکام که در رأس طبقه اشراف جای داشتند پدید آوردند اما در ایران بی‌ریشگی و نا استواری اشراف هرگز نگذارده است چیزی شبیه باین گونه تأسیسات سیاسی ، حقوقی و مذهبی پدیدار شود و اختیارات شاهان و فرمانروایان را به مرور محصور و محدود کند. از این رو «استبداد شرقی» ببالید و ریشه پوانید. شکل خشن استبداد شرقی که در تمام اعصار و ادوار گوناگون تاریخ‌مان مانع بزرگ در راه پیشرفت و ترقی اقتصادی مردمان بوده از طرفی هم در پیدایی روانشناصی و جهان نگری خاص ایرانی اثر عمیق داشته است . چه قدره بندان و قلندرانی که هر چند گاه یکبار براین کشور حکومت کرده‌اند نه تنها از دسترنج و ثمره کارهای مردمان سودجوسته‌اند بلکه خودشان را مالک همه وجود ایشان شمرده‌اند و مردم از ترسشان زندگی و فعلیت خوبش را توسعه نداده‌اند و آنچه را هم که داشته‌اند مخفی ساخته‌اند.

خراب کردن آبادیها، راندن مردم از سرزمین‌های خودشان، و بابه اسیری بردن، و بیگاری گماردن ایشان (راه‌سازی و پل‌سازی و ساختن جسر بر روی دهانه و دره‌ها)، و در شکنجه کشیدن و بانواع عقوبت کشتن، کور کردن و زنده بگور کردن سوزاندن و بردار کردن و طناب اندختن و با آنکه در

۱- خانم لمتون، مالک وزارع در ایران، ص ۴۵۹

سوره «الانعام» آمده است و «لَا تُنْزِرُوا اُزْرَهُ وَزْرًا خَرْيٍ» سراسر قومی و قبیله‌ای را بخاطر یکتن سربیدن و گوهرناموس مغضوبین را برپاد دادن و حتی اعضای خاندان اشرافی را قتل عام کردن و امثال آن در سراسرتاریخ ایران زمین و خاور زمین بلاقطع مرسم بوده است. هارون خلیفه که فاقد تربیت اشرافی بود دریک چشم برهم زدن با ریختن خون جعفر بر مکی و با بهبندکشیدن فضل خاندانی را که استخوان سازمان طبقه حاکمه بود به نان شب محتاج ساخت. این وضع خاندان بر مکی را در مقیاس بزرگتر و کوچکتر نمونه بسیار است. امیر حسنک که بفرمان سلطان مسعود در بلخ بدار آویخته شد و املاک و اموال فراوانش بتصرف دیوان اعلی در آمد! خود از خاندان قدیم و اشرافی میکالیان بود و به حسب نوشته بیهقی با استفاده از جاه و مقامی که داشت، املاک دیگر افراد سرشناس این خانواده را از دستشان بدر آورده بود! خواجه رسیدالدین فضل الله که فشو dalle ای بزرگ و مالک اراضی و مستغلات وسیع و با غها و نخلستانها و قنوات فراوان و گله‌های عظیم (۲۵۰ هزار گوسفند و ۳۰ هزار اسب و ده هزار شتر و غیره) بود و تمول هنگفتی در حدود ۳۵ میلیون دینار گرد آورده و بیشتر آنرا در شرکتهای بزرگ بازرگانی بکار انداخته بود، بر اثر تصمیم ناگهانی و بی اساس و آنی و خودکامه سلطان از هستی محروم شد و سرش برپاد رفت. اگر اشراف درباری و بزرگان زمیندار محلی بقدرت ریشه دار و غرور و تکبر اشراف اروپائی دست میداشتند چگونه امیران و سلاطین را آن توانائی می‌بود که با اشاره سری و شعله هوسی فرودست و فرادست را در بندکشند، اعدام کنند و بانواع عقوبات از میان برآندازند؟

۲- شاهان و سران دولت مرکزی از آفات حکومت استبدادی و

۱- تاریخ بیهقی

عواقب یکه تازی و ستم کیشی مصون نبودند و مرک شوم هولناک را چون پر تگاهی عمیق همیشه در جلوی پای خود می دیدند. یکی از شگرفهای تاریخ ما آنست که شاهان و امیرانی که باتکای قدرت فوق العاده خود دمار از روزگار مردم برمی آوردند و حتی اعضاء خاندان اشرافی را قتل عام میکردند چه بسا بدست غلامان خویش کشته شدند ! فی المثل غلامان «احمد بن اسعبیل سامانی» بمحض یافتن فرصت شبی او را در چادرش سربزیدند و فرار کردند غلامان «سلطان مسعود غزنوی» او را کشتنند و اموالش را بغارت برند <sup>۱</sup> مرداویج که با پشت کار واستمرار خارق العاده ای به جان و مال و ناموس مردم تعرض میکرد <sup>۲</sup> و نسبت بغلامان خود اهانتهای عجیب روا میداشت بشمشیر آنان (غلامان) پاره شد . سلطان الدوله بن بهال الدوله را غلامان او هنگامی که از بغداد بیرون رفته بود از سلطنت خلع کردند <sup>۳</sup> و بر ارضی او دست انداختند !

۳ - زمامداران اهرمن خوو غارتگر ، و امیران بيرحم و مردمکش چون در میان توده و طبقات پایین خلق پشت و پناهی نداشتند هنگامیکه بایورشهای دشمنان خارجی رو برو و بیشدند جزم ز دوران تهی مغزو و بی ریشه خود مدافعانی نمی بافتند و شواهد این مدعی را تاریخ زیاد دریاد دارد . بگفته بلاذری در جنک قادر سیه قشون دیلمان جانب ایرانیان را رها کردن دو به سپاه دشمن پیوستند، و روز نبرد بروی مدافعان دستگاه حکومت ایران شمشیر کشیدند. <sup>۴</sup> باز بگفته بلاذری « از اسواره گروهی از سربازان ایرانی ، آنانکه زمین نداشتند گریختند و به آنسو رفتند » بلاذری تأکید میکند رهنا و هسته اصلی سپاهیانیکه در زمان خلیفگی عثمان زیر فرماندهی

۱- تاریخ بخارا ص ۱۱۱ ۲- تاریخ گردیزی ص ۸۷

۳- تجارب الامم ج ۵ ص ۱۶۱ ۴- مجلل التواریخ ص ۴۰۲

۵- بلاذری ، فتوح البلدان ، ص ۳۷۹

عبدالله بن عامر کربزی خراسان را پیرو حکومت اسلام کردند، اسوارانی اند که پس از جنگ قادسیه مسلمان شدند و در بصره نشیمن گرفته اند.<sup>۱</sup> این گونه بیگانه گرایی را جز به بیزاری از مظالم رژیم ساسانی به هیچ چیز دیگر نمیتوان تعبیر کرده چنانکه بیزاری و نفرت از دستگاه حکومت خوارزمشاهی بدست این از علتها پیروزی و تسلط مغول بر ایران بود همانطور که، ناپاکی و فساد پذیری سازمان حکومت در عهد قاجاریه خلق دلسردو نو مید و اشرافیت هر استانک و بیزار را مقهور استعمار کرد.

۴- بی پایگی و ناستواری اشرافیت و نبودن اشراف مقتدر، تضادها و دشمنیهای میان مدعیان حکومت و اعضای خاندان حاکم را تشیدد میکرد و بردامنه کشمکش‌های داخلی میافزود. این رقابت‌ها و ستیزهای میان داعیان حکومت بویژه پس از قتل یا مرگ امیر خود کام و مستبد شرقی که سراسر تاریخ ما را مالامال ساخته است، به تولیدات شهری و روستایی آسیب میرساند، میزان تولید را بابین میآورد بر فقر توده‌های مردم میافزود و بالنتیجه تکامل جامعه ما را دچار وقفه میکرد.

# ۶

## سرمایه‌گذاری اشراف و امراء مالک در بخش تجارت و شرکت در فعالیتهای تولید شهری

در اروپا از آنجاکه در دوران نخستین و میانگین فتووالیسم اشراف فتووال در «شاتوفورهای» خود در ده منزل داشتند و به جمعیت ساکن روستا متعلق بودند، و از آنجاکه باقتضای فرهنگ اختصاصی اشرافی، سوداگری را به چشم حقارت مینگریستند و سوداگران و صرافان را در زمرة مردم پست می‌شمردند، و از آنجاکه شهرها کوچک و روابط پولی و بازارگانی محدود بود و قلمروهه سنیور «استقلال اقتصادی داشت و از محصولات خارج بی‌نیاز بود، امکان دخالت در امور تجاری و صنعتی (صنعت دستی) برای اشراف و امراء فتووال بوجود نیامد و در دوران اخیر تکامل فتووالیسم هم بسبب اقتدار اجتماعی انجمن‌های صنفی و تشکل طبقه سوداگر نمیتوانستند بر اقتصاد شهر تسلط بابند و با ایجاد مؤسسات بزرگ تجاری سد راه تکامل بورژوازی شوند. اما در ایران از آنجاکه فتووالیسم اداری برای برآوردن آرها و نیازهای گوناگون خویش محتاج پول بود و از آن جاکه تقسیم کار اجتماعی میان کشاورزی و صنعت بطور کامل انجام نشد و از آن جاکه ایران واسط میان شرق و غرب بوده و بسیاری از راههای بازارگانی از سر زمین آن میگذشته فتووالها و

در بارهای بزرک، غالباً به معاملات تجاری دست می‌زند و در بخش تولید صنایع دستی فعالیت می‌پرداختند.

در عصر اشکانیان، دودمان‌های بزرگ سودهای هنگفت حاصله از ترانزیت کالاهایی را که میان شرق و غرب مبادله می‌شد، خود بچنگ می‌آوردند و این امر سبب شد که زمین داران بزرگ دودمان اشکانی نه تنها باشکل مالک زمین، بلکه بشکل بازارگانان بزرگی در آیند که صدھا و هزاران پیشه‌ور در اختیار خود داشتند.<sup>۱</sup>

در دوره ساسانی زورمندان شهرستانها و تیولداران در مرزها از کالاهای بازارگانی که بکشور در می‌آمدند یا از آن بیرون میرفته مالیات هنگفتی وصول می‌کردند و نیاز از کالاهایی که از برخی شاهراه‌های بزرگ می‌گذرانیده‌اند، در جاهایی که آنجا هارا باز (باج) گاه می‌گرفته‌اند<sup>۲</sup> پولی می‌گرفته‌اند گذشته از آن کاروان‌های بازارگانی برای می‌انداختند و برای حفاظت آنان نگهبانان مسلحی می‌گماردند. دولت ساسانی «انحصارهایی تحت اختیار خود داشت که مهمترین آنها ابریشم خام بوده که از چین وارد می‌شد و مخصوصاً در کارگاه‌های سوری - فینیقی آزاده کار می‌بردند... بانک‌ها جز در موادر کمی محصول و یا موقع پرداخت مالیات وارد عمل نمی‌شدند. مع هذا این امر مانع از آن نبود که دولت بیش از پیش در عمل به مؤسسات اعتباری ابراز علاقه کند و نظارت خویش را بر آنها بطوری منظم ادامه دهد...»

دولت با انحصارات خویش، تولیدکننده به شمار می‌آمد و دارای

۱- دکتر عنایت الله رضا.

۲- ثعالبی: غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم ص. ۶۸ (چاپ اروپا، افست تهران).

کارگاه‌هایی بود . وی قدرت خود راحتی در بعضی صنایع خصوصی - صنایعی که مستقیماً مورد توجه در بار، قشون و ادارات بود بسط داد . و در نتیجه قیمت مواد اولیه و دستمزد کارگران را تعديل کرد و نظمی ایجاد نمود .<sup>۱۸</sup>

در روزگار اسلامی بسیاری از زمامداران و امرای زمیندار علاوه بر در دست داشتن روستاهای اطراف شهر یعنوان اقطاع یاتیول، از جمله صاحبان صنایع کارگاهی هم بودند و سرمایه خود را در بخش تجارت به جریان می‌انداختند و چه بسیابا شرکتهای تجاری و بازارگانان عملده فروش ارتباط داشتند. محمد بن مسافر (پادشاه دیلم، در قلعه سمیران) که املاک واراضی وسیعی در تملک داشت از طریق سرمایه‌گذاری در بخش تولید صنایع بدیعواواید سرشار کسب میکرد. وی صدها بلکه هزارها صنعتگر را با تهدید و تطمیع وزور وحیله به بندگی درآورد و در کارگاههای درون قلعه از ایشان ببره کشید. بگفته یاقوت نامبرده روستازادگان خود را نیز به کار-های صنعتی و ادار میکرد فرزندانش صنعتکاران او را که بالغ بر ۵۰۰۰ نفر بود آزاد ساختند.

در خلافت عباسی، بخشی از صنعتکاران و افزارمندان در کارگاههای دولتی پارچه‌بافی و رخت دوزی و هنرهای وابسته بآنها مشغول کار بودند و محصولاتی که تولید میکردند در اختیار دولت و مقامات حکومتی گذاشته میشدند و خود آنان در مقابل دسترنجشان فقط اجرت نازلی میگرفتند . کارگاههای مزبور را «بیت‌الطراز» و اختصاراً «طراز» می‌نامیدند که به فارسی آنها را «تراز کده» و «تراز» خوانده‌اند. کسی را که عهده دار تراز کده بود و از سوی دولت گمارده میشد صاحب‌الطراز (خدایگان و سالار تراز)

۱۸- گیرشن، ایران پیش از اسلام .

می‌خوانند و «او باید در امور صنعتگران و ابزارکار و بافتگان و پرداخت جیره و مزدانان و تسهیل ابزار کار و بهتر کردن کارهای ایشان نظارت کند»<sup>۱</sup>، جغرافی نویسان مسلمان چون ابن حوقل، استخری و دیگران شهرهای بسیاری را که تراز کده داشته‌اند نام برده‌اند، از آن‌جمله: «از شینیز و گناوه و توپارچه‌های کتانی بدست می‌آید و در هر یک از شهرها بجز کازرون تراز کدهایی از آن سلطان هست».<sup>۲</sup>

«از شوستر دیبایی فرادست آید که به همه‌جا برده می‌شود. در این شهر برای امیر عراق تراز کدهای هست که کارداری دارد و هر چه امیر خواست برایش می‌باشد. در شوش تراز کرده‌ای از آن سلطان هست».<sup>۳</sup>

«پوشک و گستاخهای جهرمی که در آنجا وجاهای دیگر می‌باشد و به جهرم منسوب است شهرت بسیار دارد. در جهرم سلطان تراز کدهای دارد که سالاری بر آن گماشته است».<sup>۴</sup>

«در گندگان شارستان دشت بارین، تراز کدهای از آن سلطان هست».<sup>۵</sup> سلطان در قدیم تراز کدهای در بیم داشته که با مرگ وی از میان رفته است.<sup>۶</sup> در این دوران چنان‌که گفتم بزرگان و فرمانروایان فشواد علاوه بر فعالیت در بخش صنایع کارگاهی از شرکت‌های بازرگانی هم سود فراوان می‌جستند و با سوداگران کلان روابط دوستانه برقرار می‌ساختند و خزاین خود را از پول مسکوک و سرمایه بازرگانی می‌انباشتند در میان دانشمندان و تاریخ‌شناسان گویا ابن خلدون نخستین کسی است که این مشخصه و پدیده خاص را به بررسی و تحلیل در آورد و از موضوع عینیت علمی

۱- مقدمه ابن خلدون، ص ۲۶۷ ج ۱ (چاپ مصر)

۲- استخری، ص ۱۹۲.

۳- استخری، ص ۶۴. ابن حوقل، ص ۲۳۱.

۴- ابن حوقل، ص ۲۳۸.

۵- ابن حوقل، ص ۲۶۱.

۶- ابن حوقل، ص ۲۷۱.

به زمینداری - سوداگر (اشرافیت فشودال - بازرگان) و اتحاد و ارتباط تجار عمده فروش و قشرهای در دست دارنده قدرت تاخته است.

بنظر ابن خلدون «از سخت ترین ستمگریها و بزرگترین آنها از لحاظ فساد اجتماع» اینست که سلطان تجارت خانه و نمایندگی‌های بازرگانی تأسیس کند و بارعایای خوبیش به تجارت دست زند «گاهی هم کارگوهی از امیران و خداوندان نفوذ که بازارگانی میپردازند بآن جامیکشد که کالاهای محصولات شهر خود را (یعنی فروشنده‌گانی که آنها را از خارج شهر میآورند)، ببهای ارزان میخرند و بدله خواه خود هر نرخی را که دلشان بخواهد برای آنها تعیین میکنند. و سپس آن کالاهای را در همان وقت و به رعایای زیر دست خود بازهم مطابق نرخی که خودشان تعیین میکنند میفروشنند، این شیوه از روش نخستین بدرجات ظالمانه تراست و زودتر مایه تبه حالی و پریشانی رعایا میشود.<sup>۱</sup>

عکس قضیه نیز صادقت یعنی گاهی برخی از بازرگانان بزرگ که «پیشه دائمی آنها بازرگانی است و به دربار راه دارند سلطان را بدینگونه مشاغل و سودها تحریک میکنند و او را در سهمی شریک خود میسازند تا در راه گردآوری ثروت از قدرت او استفاده کنند و بسرعت هرچه بیشتر بر اموال خود بیفزایند.<sup>۲</sup> نتیجه این مشارکت، همانا تباہی خراج سنانی و خانه خرابی رعایا و احتطاط اقتصاد عمومی کشور است. گویا ابن خلدون دریافته بود که در جامعه ایستای فلاحتی و در حاکمیت نظام تولیدی فشودالی، سرمایه‌گذاری و دخالت زورمندان و سلاطین در رشته تجارت و بدربار راه یافتن تجار عمده مانعی بزرگ بر سر راه رشد قوای مولده و تکامل تضادهای درونی جامعه است. هشت قرن بعد از ابن خلدون

۱- مقدمه ابن خلدون، ج ۱ ص ۵۴۴. (چاپ تهران)

۲- منبع اخیر .

در «تاریخ ایران» نوشته تئی چند از محققان شوروی چنین آمده است: «فثودالها... با شرکت‌های بزرگ بازارگانی و تجار عمدۀ فروشی که به تجارت خارجی و ترانزیتی مشغول بودند ارتباط داشتند و بخشی از عواید حاصله از مال لاجاره‌املاک را بشرکت‌های بزرگ تجاری می‌سپردند و اینان سهم سودایشان را بصورت کالا و بیشتر بصورت منسوجات می‌پرداختند. اینگونه نزدیکی بعضی از دستجات فثودال با تجار بزرگ یک پدیده خاص تاریخ ایران و بسیاری از کشوری مجاور آن در مشرق زمین بوده است»  
«بدین سبب در اینجا، برخلاف آنچه در دوران قرون وسطی در اروپای غربی جریان داشته تجار بزرگ قطب مخالف فثودالها نبوده و با ایشان مبارزه نمی‌کردند. بر عکس باتفاق فثودالها علیه نهضت پیشه‌وران و بینوایان شهری به پیکار می‌پرداختند...»<sup>۱</sup> و این جا بود که طبقه‌های اجتماعی ایران برخلاف طبقه‌های اجتماعی اروپا، دارای مختصات و مرزهای قاطعی نشدنند و از یک دیگر فاصله نگرفتند. باکه سخت با یکدیگر در آمیختند، به طوری که تضاد خصمانه زمینداران و سوداگران اروپا تاکنون در ایران نظیری نیافته است.<sup>۲</sup>

۱- تاریخ ایران ج ۱ ص ۲۷۶ و ۲۷۷.

۲- دکتر آریان پور، بنبست علوم اجتماعی، فردوسی ماهانه سال ۱۳۴۶.

# ۷

## سلطه فراینده نیروهای استعماری و تعرض اقتصادی-سیاسی غربی

استعمار، چنانکه میدانیم، در دامن عناصر روابط جدید اقتصادی، سرمایه‌داری رشد کرده و سر بر کشید. و سرمایه‌داری بعنوان یک نظام سلط اقتصادی، اجتماعی بنوبه خود از بطن فثودالیسم بوجود آمد. فثودالیسم نوعی از نظام اجتماعی است که در آن قدرت سیاسی، میان زمینداران بزرگ، تقسیم شده است. و هر زمینداری یا اربابی ( Seignior ) دارای جماعتی رعیت یا زیردست ( Vassal ) است که درازاء خدمات سپاهی یا سایر خدمات، حق تملک زمین یا استفاده از زمین را از آن ارباب بدست می‌آورند ( تیول یا Fief ). از این تعریف معلوم می‌شود که فثودالیسم دست کم از چهار عنصر فراهم می‌آید:

- ۱- پراکنده‌گی قدرت سیاسی
- ۲- زمیندار یا ارباب
- ۳- رعیت
- ۴- تیول ( زمینی که درازاء خدمت به کسی واگذار می‌شده است ).

۱- دکتر حمید عنایت - نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام - (جزوه درسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی) ص ۴.

### مراحل تکاملی فنودالیسم اروپا:

روند تکاملی فنودالیسم اروپائی را به سه مرحله عمده میتوان

بخش کرد :

مرحله نخست، از قرن پنجم تا تقریباً پایان قرن بیاندهم این مرحله زمان صورت بندی نظام فنودالی و تشکیل املاک فنودالها را دربرمیگیرد. در این دوران هسته اقتصادی اساسی جامعه فنودالی جوانه میزند، نظام پادشاهی که اصطلاحاً آنرا هیرارشی (Hierarchie) نامند، توأم با آن، و در تمام اروپای غربی، نفوذ کلیسای کاتولیک، بعنوان نیروی اصلی ایدئولوژی اروپای فنودالی قرون وسطی گسترش می‌یابد.<sup>۱</sup> آشوبی که با هجوم هراس انگیز اقوام وحشی، سراسر اروپا را فراگرفت (اوائل قرن پنجم میلادی) - همه سازمانها و تشکیلات دولتی را از میان برد و دیگر تا چند قرن قدرتی منظم و متشکل بنام دولت وجود نداشت که چگونگی رابطه آن با کلیسا مشکلی ایجاد کند و از اینزو سرنشته کارها کم و بیش بدست کلیسا افتاد، خاصه که، در زمان پاپ لئون اول، پایتخت روم به - قسطنطینیه انتقال یافت و این سبب شد که پاپ در شهر روم فرمانروای مطلق شود و اعلام کنند که چون پطرس قدیس نخستین فرستاده عیسی در میان مردم بوده است و پاپ‌ها یکی از پس دیگری جانشین و وارث مقام آسمانی او هستند. کلیسای پطرس، یعنی کلیسای روم نیز باید بر کلیسا - های جهان سروری کند. بعلاوه در این دوره، روم ثروتی را که از تاریخ ملت‌ها گردآورده بود، کم کم از دست داد و سازمان نظامی و اداریش برهم ریخت و بازارگانیش کاسد شد و در عوض، کلیسا از برگت حمایت زورمندان محلی و نذرور و صدقات مؤمنان بتدریج برثروت و حوزه نفوذ خود افزود.

۱- تاریخ قرون وسطی، مقدمه مترجمان، ص ۲۰

چندی بر نیامده که پاپ‌ها در پی گسترش قلمرو اراضی خود برآمدند و به استناد نوشتۀ مجمع‌ولی بنام «بخشنش کنستانسین» مدعی شدند که امپراطور کنستانسین نه تنها برای پاپ دوم «حق قضایت روحانی را در سراسر کلیسای مسیح برسمیت شناخته بلکه او را صاحب حاکم وایتالیا و نواحی محرومۀ در غرب دانسته است». با شهریاری شارلمان، سردار قوم فرانک در قرن نهم میلادی وضع دگرگون شدن زیرا شارلمان بخش بزرگی از اروپا که کشورهای فرانسه و شمال شرقی اسپانیا و بلژیک و هلند و آلمان وایتالیا و اطریش و عنگری را در بر میگرفت، بزیر سلطه خوبیش درآورد و در امپراطوری خود متعدد کرد.

ولی او برای آنکه قدرت خود را در نظر مردم مشروع جلوه دهد، برای برگزاری آیین تاجگزاری خویش، به شهر روم آمد و ترتیبی داد تا در روز تولد مسیح در سال ۸۰۰ میلادی لتوں سوم، پاپ دوم، تاج امپراطوری را برسر او نهاد. از آن زمان امپراطوری روم بنام امپراطوری مقدس، زندگی دوباره آغاز کرد.<sup>۱</sup>

این واقعه بر نفوذ معنوی پاپ افزود و احساسات مردم را به سود کلیسا تحریک کرد و در عمل به همگان نشان داد که کلیساست که راز سعادت معنوی را میداند و از این‌رو داوری در این باره که آیا شهریاران وظیفه خود را در تأمین آن درست انجام میدهند یا نه حق پاپ است و پاپ میتواند شهریارانی را که خرسندی و هوای خواهی کلیسا را نمی‌جویند، طرد و تکمیر کند.

مرحاه دوم که زمان شکوفابی و بالندگی جامعه فئودالی است، (قرن یازدهم تا قرن پانزدهم) از اردوکشی صلیبی تا کشفیات بزرگ

۱- جان ناس - تاریخ جامع ادیان - ص ۴۲۴

۲- دکتر حمید عنایت - بنیاد فلسفه سیاسی در غرب - ص ۱۲۳-۱۲۴

جغرافیائی را شامل میشود.

جنگهای صلیبی راه جهان اسلام را بروی اروپاییان گشود و همراه جنگکاران مسیحی که از غارت سرزمینهای اسلامی بار و پا بازگشتند علاوه بر کالای تجملی و بازارگانی، فلسفه و فرهنگ پویا و تمدن شکوفنده اسلامی یا آنچه در نظر آباء کلیسا، اندیشه‌های ارتادادی دانسته میشد، در غرب رخنده کرد. و انگهی بگفته «جرج سارتون» نویسندهٔ تاریخ علوم «وقتی اروپا از نادانی قرون وسطایی رهایی یافت و عقلش چندان پخته شد که نیاز به تعمق علمی را درک کند و پس از چندی در پی تجدید رابطه خود با اندیشه باستان برآمد، نه به منابع یونانی، بلکه به منابع عربی (اسلامی) روی آورد.»<sup>۱</sup>

در این مرحله، نه فقط شیوه تولید فتووالی در دهات، قویاً تکامل میباید، بلکه در شهرهای قرون وسطی نیز نظام اجتماعی مخصوص شهر که مبین آزادیهای اولیه شهرها از قید سلطهٔ فتووالی است، بنیان میگیرد. این شهرها، با صلح شهرهای آزاد یا شهرهای جمهوری را تشکیل میدهند. این مرحله برخلاف مرحلهٔ نخستین که در آن از نظر سیاسی، پراکنده‌گی و عدم تمرکز حکومرما بود، با تشکیل حکومت‌های نیرومند متumer کر مشخص است.

تشکیل این حکومت‌ها، با تقویت سلطهٔ قدرت‌های شاهی و بوجود آمدن گروه مؤمنان دولتی و ایجاد باصطلاح هشیات‌های سلطنتی، همزمان میباشد. شورش‌های نیرومند دهقانی، که بر اثر آغاز تجزیه فتووالی شدت می‌یابد، جامعه اروپائی قرن چهاردهم و پانزدهم را تکان میدهد.<sup>۲</sup>

۱- جرج سارتون - دیباچه‌ای بر تاریخ علم - منقول از بنیاد فلسفه سیاسی

در غرب، ص ۱۲۵.

۲- تاریخ قرون وسطی، ص ۲۰

جنبیش‌های دهقانی از همدردی و همدستی عناصر تنگدست و تهی دستان  
شهر برخوردار است.

مرحله سوم ، قرن شانزدهم و نیمة اول قرن هفدهم ، زمان تشید  
تجزیه فثودالیسم وایجاد عناصر روابط جدید اقتصادی ، سرمایه‌داری در  
چهارچوب آن را در بر میگیرد .

در این دوران ، سرمایه‌گزاری اوایله سرمایه‌داری تجاری و رباخواری  
تکامل می‌باید . رونق کار بازرگانی در شهرها ، بازاری برای فرآورده‌های  
کشاورزی ایجاد کرده و این امر بنویه خود ، میل به سود جوئی و تجمل  
پرستی را میان فثودالهای برانگیخته و بردامنه دادوستدهاشان افزوده بود .  
سرمایه‌داری تجاری و رباخواری که در اجتماع فثودالی رونق  
روز افزون گرفته بود ، بنیاد اجتماع فثودالی را ساخت و متزلزل کرد .

با بسط نیرومند روابط بازرگانی ، اشراف زمیندار ( فثودالها ) -  
برای دستیابی بانواع کالاهای تجملی و لوکس میکوشیدند تا آخرین  
دینار دهقانان را از چنگشان بدرآورند .

درنتیجه ، اقتصاد فثودالی بدضعف و تباہی گرایید و فقر و تهی دستی  
دهقانان افزون گردید . و بدینگونه ، فثودالیسم نمیتوانست درآمد فراوان  
فثودالها را گردآورد و آنها و نیازهای گوناگونشان را برآورد . رباخواران  
و بازرگانان نیز رمق فثودالها را کشیدند و خود ، امتیازات مادی و اقتصادی  
زیادی فراچنک آوردن .

از طرف دیگر ، روابط تولید ( باصطلاح حقوقی روابط مالکیت )  
موجود ، از گسترده‌گی نیروهای تولیدی جلوگیر شده و نیز شورش‌های دهقانی  
در مقایسه با جنبش‌های سده‌های چهاردهم و پانزدهم ، شدیدتر شده بود . تباہی  
و تلاشی فثودالیسم ، راه را برای افزایش تولید سرمایه‌داری و بالندگی  
پدیده‌های نوین اقتصادی باز کرده پیدا شدن منابع بیکران ثروت و گشوده .

شدن راههای تازه بازرگانی، ناتوانی و تباهر وزی امپراتوری مقدس(پاپ) و پیدایی دو جنبش بزرگ رنسانس (نوزایی) و رفورم (اصلاح)، بدسرمایه داری امکان داد تا از آن پس باهنگی بیسابقه، رویه گنترش بگذارد و بر تبروهای مخالف خود که از همه آنها مهمتر، فتووالیسم بود چیره شود و این تحول، بزودی مایه ناتوانی سازمانها و تهادهای سیاسی پاسدار منافع برستان فرمانروایان دیرین گشت.

### تحول قشربندی اجتماعی ایران

در ایران، از دیر زمان، سرمایه داری تجاری بوجود آمده بود و قدم در راه تکامل نهاده بود.

از اوخر دوره قاجار وجود یک طبقه سرمایه دار در ساختمان اجتماعی- اقتصاری ایران محسوس نمی شود. این طبقه سرمایه دار که ریشه در کیفیت (بازرگانی - فتووالی) جامعه ایران در همه ادوار و آنهم بمناسبت موقع خاص جغرافیائی ایران دارد، اگر نابسامانیهای اوخر عهد صفوی و ایام افشار و زند و سپس بهم ریختگی دوران قاجار نمی بود، خبلی زودتر بالنده می گشت و شاید ازبورژوازی اروپای غربی و اپس نمی ماند و کشور ما نیز در شمار ممالک صنعتی پیشرفتی به پیش می تاخت و بنیاد استبداد جانکاه را برمی انداخت. اما قضا را این امکان، چنانکه دیدیم، بورژوازی ایران را دست نداد و همه عوامل مخالف مانع بروز ورشده موقع آن شدند.<sup>۱</sup> طبقه سرمایه دار، بنابر خصایص نظام زمین داری ایران، وعلی باز دارنده تاریخی که (بر شمردیم) پیشرفت آهسته و تکامل ناپیوسته داشته است. و در نتیجه، سرمایه دار صنعتی و کارگر صنعتی، در جامعه ما پدیدار نگردیدند.

۱- دکتر منوچهر تهرانی - عامل انسانی در اقتصاد ایران - ص ۳۶۰

« سرمایه‌داران یا بعبارت دیگر بازارگانان بزرگ ایران (در قرن سیزدهم شمسی) بطور عمدۀ دلال و فروشنده مصنوعات خارجی بودند. آنها مقداری تریاک و گندم و توتون و کتیرا و خشکبار و فرش، از ایران صادر میکردند و چندین برابر آن، قماش و قند و چای و بلور و چینی از خارج وارد میکردند.

در آن زمان هنوز زمین پایه قدرت و اعتبار در عین حال منبع درآمد بود، و بازارگانان نیز قسمتی از دارایی خود را صرف بدست آوردن این منبع قدرت و درآمد میکردند و در صفت ملاکان بزرگ زمین در میآمدند. باین ترتیب، سرمایه‌داری بزرگ تجاری از یکسو از طریق معامله بازارگانی، با سرمایه‌داری خارجی وازوی دیگر، از طریق خریدن اراضی مزروعی، با فتووالیزم پیوئند میباشد. این سرمایه‌داری در عین حال طالب منفعت بیشتر و قدرت بیشتر بود و بهمین دلیل نمی‌توانست بالاستعمار و فتووالیزم بکلی بدون تضاد باشد. نیز روشن است که نمیتوانست در مبارزة خود برای بیرون راندن استعمار .... قاطع باشد».

\* \* \*

در نیمة دوم سده نوزدهم، کم کم دیگر گونیه‌های در سیاست اقتصادی سرمایه‌داری غرب پدید آمد.

دیگر، دولتهای استعماری، خود را مسئول پاسدار پایگاه‌های دریایی و آبراهما، برای سوداگرانش نمیدانست.

زیرا از برای گسترش تکنیک و فزونی و توامندی ماشین و کارخانه‌ها نیاز به مواد خام بیشتر میگردید. از این‌رو کشورهای امپریالیست خود اقدام به ایجاد تأسیسات و گرفتن امتیازات برای ببره‌برداری و غارت دارایی

۱- باقر مؤمنی - ایران در آستانه انقلاب مشروطیت - چاپ پنجم ص۹.

کشورهای خاور زمین کردند تا از این راه اشتهای سیری ناپذیر کارخانه‌ها و مراکز تولیدی خود را فرو بنشانند. از آنجاکه امپریالیسم، این کالاهای دارایی‌ها را مفت بچنگ می‌آورد، توانست بر دستمزد کارگرانش بیفزاید و آنان را در چاپیدن کشورهای پس‌مانده با خود هم‌دست سازد و بدینسان از شرجبهای داخلی آسوده گردد. از این‌رو، هر اندازه کشورهای خاوری غارت زده و زیون‌تر می‌شدند، با خت زمینیان نیز و مندر می‌گردیدند. در چنین زمانی در کشور ما، مانند بیشتر کشورهای خاوری تا هنوز همان شیوه تولید کهنه، رایج بود و روابط اجتماعی بگونه سده‌های وسطایی حاکم.<sup>۱</sup> عوامل پیش‌گفته و فشارهای سیاسی و اقتصادی سودجویان بیگانه، مانع از آن‌گردیده بود که طبقه سوداگر بتواند نقش انقلابی و بنیادی در جامعه ایرانی ایفا کند و ساخت اقتصادی دیرین را در هم‌شکند و شیوه تولید را، پس از خود دگرگون کند.

از آغاز سده نوزدهم، نیروهای استعماری بگونه‌ای گسترده‌تر کشور ما را آماج آزمدیهای خود قرار دادند. ایران با امپریالیزم متعاقoz اروپایی که در حال رشد و توسعه بود تصادم پیدا کرد. روسیه از شمال بطور مداوم بطرف جنوب می‌آمد و فشار می‌آورد. انگلیسیها هم از سمت خلیج فارس در جنوب پیش می‌آمدند.<sup>۲</sup> ایران بر سر راه هند بود و وحشیان انگلیسی نمی‌خواستند سایه روسها بدان شبکه قاره زرخیز نزدیک شود. روسیه تزاری و انگلیس بمنظور تسلط بر منابع و بازار ایران یعنی برای فروش کالاهای خود، وهم برای عبور به سرزمینهای دور، به صحنه تاریخ ما فراز آمدند.

- ۱- نگاه کنید به مقاله فریدون امیر فریار، در نامه دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی (تندر، شماره دوم).
- ۲- نهر و - نگاهی بتاريخ جهان - جلد ۳ - ص ۱۰۵۲.

این دوکشور استعماری برای اجرای سیاستشان احتیاج بیک پایگاه قدرت داخلی داشتند. این پایگاه، نمیتوانست سرمایه‌داری داخلی باشد. چه این طبقه، طبیعتاً برای منافع خود با آنان در تضاد بوده، در ثانی قدرت سیاسی هم در دست نداشت. پس روسیه و انگلیس به قشرهای مسلط یعنی مالکان عده، خانان و تیولداران بزرگ پیوند یافته‌اند و از اقتدار اجتماعی آنها برای بسط تسلط خود سودجوستند.

تکیه‌گاه مادی خانان و تیولداران، زمین‌یعنی مهمترین وسیله تولید‌آنzman بود. شاه صاحب بخش اعظم اراضی و تیول به بود و در بارش بر قدرت صاحبان زمین- تیولداران ایلی، وغیر ایلی روحانیان ملکدار و آخوندان موقوفه‌خوار، استوار بود.<sup>۱</sup>

ناگفته نماند روس و انگلیس با یکدیگر وطبقات مختلف مردم این سرزمین برخورد و احیاناً تعارض پیدا میکردند و تضاد آنان با منافع طبقات مختلف مردم در صفت بنده‌گروههای اجتماعی و شدت وضعف تحولات اجتماعی ایران اثر می‌گذاشت. هریک از دو دولت روس و انگلیس میکوشیدند تا گروهی از سرنشیه‌داران و صاحبان قدرت را بسوی خود جلب کند و بخدمت خود درآوردد.

«بطور عده استعمار روس میان دربار و اکثر عشایر مسلح، و بخصوص عشایر شمال، نفوذ داشت و امپریالیزم انگلیس به جلب قشر بالایی طبقه تازه بدوان رسیده و برخی از عشایر، بخصوص عشایر جنوب پرداخت. البته گاه این دو امپریالیزم در اثر شرایط جهانی وبالزوم سرکوبی

۱- در کتاب ارجمند «تبیه الامة و تنزيه الملة»-نوشتهی عالم بزرگ شیعه، میرزا نائیثی، استبداد دینی و استبداد سیاسی و استبداد طبقاتی، سخت مورد حمله و هجوم قرار گرفته‌اند. مطالعه این کتاب برای محققان مشروطه لازم است. نیز رجوع کنید دکتر حمید عنایت، شش گفتار در باره‌های و جامعه، گفتار ششم - صفحات آخر .

جنیش انقلابی ملی ضرورتاً با یکدیگر سازش میکردند.<sup>۱</sup> از نظر اقتصادی، نفوذ سرمایه‌داری غرب، تعیین کننده نوع کشت و کار در بخش وسیعی از زمینهای کشاورزی شد. کشت تریاک بمناسبت تقاضای انگلیس افزایش شکرف یافت. آنسته از رجال ملی (!) و مالکان وطن پرست (ا) که از سر صدق با استعمار انگلیس روابط دوستانه بهم رسانده بودند، بخاطر سودآوری این کشت بدان روی آوردند. بقول کنسول انگلیس، دوبوشهر چنان سود کشت خشکاش مورد توجه مالکین قرار گرفته بود که تمام زمینهای اصفهان ویزد برای کشت این محصول آماده شد که این خود یکی از دلایل بوجود آمدن قحطی و حشتناک ۷۲ - ۱۸۷۱ بود.<sup>۲</sup>

از طرف دیگر باور و دکالاهای ساخت ماشین که ارزانتر و مرغوب‌تر بود، صنایع دستی و پیشه‌هایی که تخصصی فوق العاده در کار داشتند، تاب رقابت در مبارزه قیمت‌ها را در بازار کشور شاهنشاهی ایران بدست نیاوردن و از میان رفتند.

دولتها نیز که یوغ استعمار را برگردان داشتند نتوانستند جلوی ورود کالاهای خارجی را بگیرند و از سرمایه‌داران داخلی و صاحبان صنایع محلی حمایت نمایند. البته تجارت با غرب، برای همه، فقر بار مغان نیاورد. مالکان بزرگ که بازار برای فروش محصولات خود پیدا کرده بودند و رجال ملی یا - دلالان تجارت خارجی - از این نابسامانی، سودهای سرشار برداشتند. اما منحرف کردن سرمایه‌داری تجارتی ایران بخرید و فروش کالا، بر شداقتصادی ایران و به تحول لایه‌بندي اجتماع سرمایه‌داری صد عده زد.

۱- مؤمنی، کتاب سابق الذکر، ص ۱۴-۱۲.

۲- دکتر فرهاد نمانی - خلاصه ساختمن اینستادی ایران در قرن سیزدهم شی (جزء درسی دانشکده اقتصاد، ۱۲۵۲) ص ۷۰:

سِرِنَامَهُ اوزِينْ فلَنْدِينْ کَه در سال ۱۹۰۴ ميلادي نوشته شده، نشان ميدهد که صنعت شهر کاشان بمناسبت واردات قماش انگليسي از بين رفته است. اصفهان که موقعی تولید کننده کالاهای مختلف بود، بقول لرد کرزن، در اواسط قرن نوزدهم ميلادي مصرف کننده کالاهای نخی گلاسگو و منچستر شده بود.<sup>۱</sup> يزد که در کارخانه هایش در سال ۱۸۰۰ ميلادي نهصد صنعتکار کار ميکردند و ابريشم باقی در آنجا رواج داشته در سال ۱۸۵۰ ميلادي فعالیت اصلی مردم آن کشت ترباک شده بود.<sup>۲</sup> بقول جمالزاده اکثر کارخانه های اوخر دوران قاجار به سبب تشبثات خارجیان از بين رفت.<sup>۳</sup> از آنجه ذکر شد، میتوان چنین نتیجه گرفت:

- الف: نیروهای استعماری رجال ایرانی را بتوکری و گماشتگی خویش پذیرفتند و در خدمت فروشناندن تپش های انقلابی خلق ایران بکار گرفتند. با نیرنگهایی که مأموران سیاسی و استعماری امپریالیزم با ختری بکار میبردند و دسابی که می چینند از یک سوبرفساد دستگاه حکومت میافزوند و از دیگرسوی کارآبی آن کهنه بساط بیداد را می کاستند.
- ب: سودپرستی و بهره کشی آزمدنه استعمار اثر شومی در اقتصاد حاکم کشور - اقتصاد روستایی داشته است و سیاه روزی و تنگدستی دهقانان را افزون نموده است و تولیدات کشاورزی را به بائین برده است.
- ج: چیره دستی و فزون چوبی استعمار و وابستگی اقتصادی ایران، بزبان نیروهای مولده جدید و پویش تاریخی انجامیده اند. نیروهای استعماری سود خود را در آن میدید که سرمایه داری تجاری ایران همواره از صنعت دور بماند و ماهیت بازار گانی خود را نگاهدارد و به شکل زانده ای از دستگاه

۱- دکتر نعیانی، منبع سابق الذکر - ص ۵۶.

۲- سید محمد علی جمالزاده، گنج شایگان، ۱۳۲۵، ص ۵-۹۲.

پرعرض و طول وسازمان پرتجربه آنان و وسیله فروش و عامل بازاریابی برای محصولات کارخانه‌ای ایشان باشد، کالاهای اولیه و مواد خام بدهد و فرآورده‌های ماشینی بگیرد.

د- سلطه فرساینده استعمارگران و تضادی که سودهای آنان و فرهنگ ایشان با اقتصاد و فرهنگ ملی ماصداشت خود از عوامل عمدۀ تقویت روانشناسی و جهان‌نگری خاص ایرانی بوده است.

۱... میتوال منشاء وریشه رخوت روحی، اجتماعی جوامع کم‌رشد را همین تضاد و تقابل دانست. جامعه‌ایکه حاصل‌کار و کوشش اونصیب جامعه‌ای دیگر شود و خود از آن محروم بماند طبعاً دچار رخوت می‌شود و نیروی فعالش نه تنها از نظر جسمی بلکه از لحاظ روحی نیز کاهش می‌باید.<sup>۱</sup> مردمی که سالیان دراز، سیطره استعمارگران و بهره‌کشان غرب را تحمل کرده‌اند و در گاه‌بوس دست‌آموزان و دست‌نشاندگان امپریالیزم را پذیره شده‌اند، بیش از پیش از سرثت حقیقی خویش دورافتاده‌اند و اصالت فرهنگی و ارزش‌های والای مذهبی خود را بفراموشی سپرده‌اند زیرا احساس حقارت خود را با تقلید از آداب ظاهری فرنگیان کاهش داده‌اند، تحت تأثیر تصویر قراردادی که غربیان از آنها داشته‌اند، ذهن خود را مختل و مسموم نموده‌اند. «فرانتس فانون» مردمانی را که بگونه‌ای فزاینده از طرف قدرت‌های امپریالیستی جهان، استشمار شده‌اند، تبدیل به طبقه‌ای جهانی می‌کند که رسالت تاریخیش برانداختن اوضاع اجتماعی استشمارزا از طریق زورمادی و قهرسیاسی است.

۱- مقاله دکتر عبدالرژیم احمدی در مجله تحقیقات اقتصادی، شماره

دوم، ص ۲۵

## کتابهای

### استخاره حب ماء

#### تاریخ

تاریخ عرب در قرون جدید

و. لوتسکی  
ترجمه پرویز بابائی

شصیز ۴۸۵ ریال

علل کندی و ناپیوستگی تکامل جامعه قنودالی ایران ابادر ورداسی  
شصیز ۹۰ ریال

#### فلسفه

چند مقوله فلسفی

ترجمه و تنظیم پرویز بابائی

شصیز ۶۵ ریال

روانکاوی و دین

ترجمه آرسن نظریان

شصیز ۱۱۰ ریال

#### نقدادی

نقد آثار غلام حبیب ساعدی

نوشته عبدالعلی دست غیب

شصیز ۹۰ ریال

نقد آثار احمد شاملو

نوشته عبدالعلی دست غیب

شصیز ۱۵۰ ریال

بودلر

آندوشن هاگسلی

ترجمه اسدپور پیر انفر

شصیز ۲۰ ریال

## رمان

رقص در آنبار نوشته ناصر مژده

شنبه ۶۰ ریال

روز جهانی پارک شهر روز بالهدانی نوشته مجید داش آرامنه

شنبه ۵۰ ریال

تبرستان

نهاشتاهه

مرگ همسایه و مطبخ

شنبه ۷۰ ریال

نوشته فرامرز طالبی

شب طوبیل طلوع

شنبه ۵۰ ریال ( چاپ دوم )

مشروطه خواهان

نوشته محمد رضا صادقی

شنبه ۲۵ ریال ( چاپ دوم )

سینمائي

مفهوم فیلم

سرگشی ایزنشتین

ترجمه دکتر ساسان سهنتا

شنبه ۲۰۰ ریال

فرهنگ سینمائي

ترجمه داود لویان

سلفون ۳۰۰ ریال

دیزه سینمما

ترجمه دکتر ساسان سهنتا

شنبه ۴۰ ریال

# اگران

## سفر قامه

نوشته حسین و اقل

در حاشیه

شنبز ۳۰ ریال

## کود کان

نوشته محمدعلی قادرور

حسنی

شنبز ۳۰ ریال

نایابان

ترجمه کارو

شنبز ۲۵ ریال

## علوم

دستگاههای محدود در ریاضیات م. سکلت نورتون

پروین شهریاری

شنبز ۱۰۵ ریال

## کتابهای که توسط چاپار پخش می شود

جامعه شناسی در ادبیات ترجمه و تحقیق معصومه عصام

پنجیز ۱۰۰ ریال

مرگ و میر در تهران نوشته ابراهیم شانه چیان

شنبز ۴۰ ریال

نیروی جاذبه نوشته محمدعلی بهرامی

شنبز ۷۰ ریال (نایاب)

حقیقت و خیال نوشته محمدعلی بهرامی

شنبز ۷۰ ریال